

قورخانه اینجا برده نشده است و حال آنکه در این موقع قورخانه اهمیتش بیشتر از سایر ادارات ما است چون تمام اینها منوط بقورخانه است و وقتی که قورخانه نداشته باشیم سرباز نداریم یعنی سربازیکه تفنگ نداشته باشد چه حاصل دارد .

**وزیر داخله** - برای قورخانه يك مستخدم داریم که مسیور تئ است و مدتها است در اینجا است زبان فارسی را هم خوب میداند و تا بحال هم خوب خدمت کرده .

**رئیس** - پیشنهادی است آقای مزر الملک کرده اند قرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم که رئیس هیئت صاحب منصبان پیش از صاحب منصبان وزارت جنگ نوشته شود .

**وزیر داخله** - این منافاتی ندارد برای رئیس صاحب منصبان يك محلی باید معین شود آن محل را وزارت جنگ معین کرده اند هم وزارت جنگ است هم میتواند در خارج در صورت مشغول خدمت باشد .

**معزز الملک** - بنده هم چون نظرم همین نظر آقای وزیر داخله بود بهین جهت او را خارج کردم برای اینکه او هم میتواند در صف خدمت بگردد هم بواسطه آن رتبه که دارد که رئیس هیئت صاحب منصبان خارجی است میتواند بآنها سرستی کند و در کلیه اصلاحاتی که بتوسط این هیئت خواهد شد او نظرات بگردد و این برای کار خیلی بهتر است در صورتیکه جزو صاحب منصبان اداری بنویسیم فقط کار او اصلاح اداری خواهد بود .

**وزیر داخله** - باز عرض میکنم هیچ منافات ندارد در وزارت جنگ هم باشد میتواند در خارج هم خدمت بکند بخواهد تصور میکنم اگر در وزارت باشد اهمیتش بیشتر باشد .

**رئیس** - رای میگیریم باصلاح آقای مزر الملک آقایانیکه اصلاح مزر الملک را قابل توجه میدانند قیام نمایند (چند نفری قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد رای میگیریم بماده نهم آقایانیکه ماده نهم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - ماده الحاقیه آقای لواء الدوله پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که باین ماده الحاقیه جزو مواد رای گرفته شود .

ماده ۹ - این صاحب منصبان و معلمان اروپائی حق ندارند که بدون اجازه و تصویب وزارت جنگ احدی از صاحب منصبان ایرانی را عزل و نصب نمایند .

**وزیر داخله** - عزل و نصب صاحب منصبان نه در اختیار صاحب منصبان خارجه است نه در اختیار صاحب منصبان ایرانی است منوط بتصویب وزارت جنگ و فرمان پادشاه است .

**لواء الدوله** - عرض کنم چون بنده دیده ام بعضی از صاحب منصبان وقتی وارد میشوند دیگر به بیج وزیری نگاه نمیکنند خودشان ایرانی میگیرند و خارج میکنند همین قدر که از هیولای يك صاحب منصب خوش نیاید میگوید این بدر من نمیخورد باید خارج گردد دیگر لازم با سم بردن نیست بعضی همینطور خارج شدند که بنده خودم هم یکی از آنها هستم .

**حاج شیخعلی** - بنده البتاهل قانون اساسی دارم (رئیس - توبت شما نرسیده است)

**حاج شیخعلی** - اختصار قانون اساسی دارم و حق تقدیم دارم .

**رئیس** - راجع بنظم مجلس نیست که حق تقدیم داشته باشد آقای حاجی و کبیل الرعایا فرمایشی دارید بفرمائید .

**حاجو کبیل الرعایا** - از این اختیاری که فرمودند نمیخواستم عرض کنم که حالا برای آنها باقی نمانده است که ما حالا در آن مذاکره بکنیم و لکن چون گفته شد که مستخدمین خارجه برای آن شغلی که معین شده اند شاید تجاوز کنند بنده که تا بحال چنین چیزی ندیده ام و تصور میکنم که تقصیر از طرف ما است و آنها همیشه به تکلیف خودشان صل کرده اند و میکنند .

**حاج شیخعلی** - بله در قانون اساسی مصرح است که صاحب منصب های نظامی را نیشود عزل و نصب کرد مگر با توثیق خیانت آنها بتصویب وزارت جنگ و فرمان پادشاه در این صورت این پیشنهاد غلط است .

**رئیس** - رای میگیریم به پیشنهاد آقای لواء الدوله که بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کرده اند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( کسی قیام نکرد )

**رئیس** - قابل توجه نشد (مذاکره در کلیات است) مخالفی هست؟

**آقا شیخ محمد خیابانی** - بنده میخواستم سؤال کنم که نظر هیئت وزراء در این است که بطور رسمی از دولت سوند استخدام کند یا بطور غیر رسمی استخدام خواهند شد و کدام بنظر وزراء صحیح میآید .

**رئیس** - آقای خیابانی سؤال کردند جواب داده نشد .

**وزیر داخله** - این عطف میشود بهمان استخدام صاحب منصبان سابق همانطوریکه از دولت خواستیم اینها را هم از دولت میخواستیم .

**رئیس** - رای میگیریم باین ماده قانونی که متضمن نه ماده بود یکی آنرا وزراء مسترد داشتند و بهشت مادم را داده اند آقایانیکه این لایحه قانونی را تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد آقایانیکه تصویب نمیکنند ورقه کبود خواهند داد (در این موقع شروع باختار اوراق رای گردید آقای حاجی میرزا رضاخان اوراق رای باین ماده حاضر نمودند ورقه سفید ۶۴)

**رئیس** - با اکثریت ۶۴ رای از ۲۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد - آقایان حاجی مزر الملک و آقا میرزا احمد سقایی از آقای وزیر داخله و وزیر مالیه داشتند بفرمائید .

**آقا میرزا احمد** - سؤال بنده قسمتی از وزیر امور خارجه است که حاضر نیشود و یکی از وزیر مالیه است که حاضر است از فرایک شنبه ام از طرف وزارت مالیه بنا بوده است که مأمورینی برون برای ضبط اموال شاع السلطنه و سالار الدوله جاهتی رفته اند و در آنها يك مانی دچار شده اند که از طرف دولت روس گویا از طرف قونسلگری جاهتی از قزاقها آمده اند و جلوگیری کرده اند و نگذاشته اند که آنها بمأموریت خودشان رفتار کنند از آن جهت که راجع

وزارت مالیه است جواب بگویند تا وقتی که وزیر امور خارجه آمدند مجلس انجمنش را که راجع وزارت خارجه است سؤال کنم .

**وزیر داخله** - از این مسئله هنوز خبر رسمی وزارت داخله یا وزارت مالیه نرسیده است باید تحقیق شود در جلسه آتی عرض خواهیم کرد آنچه رسیده است مسموحات است .

**رئیس** - دستور پنجشنبه ۱۸ ساعت بفرود مانده بقیه قانون انتخابات بیک فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع به میرزا عبدالمجید پیشخدمت - راپورت کمیسیون نظام راجع بمسیو بوتن مستخدم قورخانه (مخالفی هست) ؟

**دکتر علیخان** - بنده همانطوریکه در خارج عرض کردم یادآوری میکنم که قانون اساسی معارف را هم جزء دستور پنجشنبه قرار بدهید و چون مدتی است که راپورت آن آمده و همینطور مانده است .

**رئیس** - هر وقت قانون انتخابات تمام شد قانون اساسی معارف جزو دستور میشود .

**افتخار الواعظین** - میخواستم عرض کنم بعضی از راپورتها از کمیسیون قوائد عامه آمده است که بایستی جزو دستور بیاید و بنده یکی از آنها را تقاضا کردم که جزو دستور قرار بدهید فرمودید که جزو دستور پنجشنبه خواهد شد - خواهش میکنم که راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع به ماشین چرم سازی جزو دستور پنجشنبه شود .

**رئیس** - ممکن نیست بجهت اینکه بیست ماده از قانون انتخابات و حوزه بندیهای آن مانده است هر وقت آن تمام شد جزو دستور خواهد شد (در این موقع که نیم ساعت از شب گذشته است رئیس حرکت کردند و مجلس ختم شد) .

**جلسه ۳۰۵**

**صورت مشرح روز ۵ شنبه ۱۸ شهر شوال المکرمه ۱۳۳۹**

مجلس دو ساعت ونیم قبل از فروب آفتاب در تحت ریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس تشکیل گردید صورت مجلس روز سه شنبه ۱۶ را آقای آقا میرزا رضاخان قرائت نمودند .

جلسه قبل غائبین بدون اجازه - آقایان حاج آقا میرزا علی اکبر خان - آقا سید محمد باقر ادیب لسان العکماء

غائبین با اجازه - آقایان طباطبائی - فرزانه آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند - دکتر اسمعیل خان ۳ ساعت - دکتر حاج رضا خان ۵۰ دقیقه نیات ۴۵ دقیقه - اهتمام الملک - آقا شیخ رضا ۴۰ دقیقه - دکتر امیر خان - ناصر الاسلام ۳۵ دقیقه - شریف الملهاه - حاج وکیل الرعایا نیم ساعت .

**نایب رئیس** - آقای بهجت در صورت مجلس فرمایشی داشتید ؟

**بهجت** - در ماده اول خیلی بطور اختصار ذکر شده است که فلان کس مخالف بود مثل اینکه بنده این کثرت را خلاف قانون دانستم بنده مخالف با اصل این کثرت نبودم و باین ماده مخالف نبودم مخالفت بنده این بوده که بشکل ماده قانونی

تاریخ نوشته شود باید جوری مشروح نوشته شود که صریح باشد نه اینکه اصل کتبرات و اختلاف قانون میدانستم قانونی بودن اینها را خلاف میدانستم

**لایح رئیس** — گویا همانطور نوشته است

**میرزا رضا خان** — خوبست يك قدری استماع بفرمائید مخصوصاً نوشته است با قانونیت

**بهجت** — بنده هم عرض نکردم این قانونی نیست عرض کردم که نباید بشکل قانونی نوشته شود.

**لایح رئیس** — صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه قانون انتخابات است دوماده از اول که ماده اول و دوم باشد باقی است چون ماده اول منوط بپاده نانی است که ترتیب حوزه بندیها است پانجه اول شروع بپاده دوم میکنیم ( در اینموقع شروع بقرائت جدول حوزه های انتخابیه گردید )

آذربایجان ۱۹ نفر

**لایح رئیس** — مخالفی هست ( اظهاری نشد )

**هشترودی** — در کلیات است یاد تیریز مخصوص است

**لایح رئیس** — مذاکره در کلیات ۱۹ نفر آذربایجان است .

**هشترودی** — بنده در کلبه که ۱۹ نفر برای آذربایجان نوشته اند مخالفم اولاً میخواهم عرض کنم که خودم در کمیسیون بودم نه اینکه نبودم در آنجا هم مخالفت داشتم و بر اینی که عرض کردم یا اعضاء کمیسیون گوش ندادند چون در این روزهای آخری که این رایبورت داده شده است بنده یکروز حاضر شده ام و لابد خودشان شاید دوروز سه روز مذاکره کرده اند بنده در ۱۹ نفرش اشکال میکنم نه در حوزه بندیش چون در حوزه بندیش رای بنده هم منصرف شده است و اینطور هیبی ندارد باید باشد ولی ۱۹ نفر را که از برای تیریز معین کرده اند بنده نمیدانم از چه میزان از چه مقیاس است از روی يك قانون صحیح گرفته اند که عبارت از مقدار نفوس است یا مقدار نفوس هم نباشد يك تبدیلی است که واقعاً تبدیل باشد از روی آن این تقسیم کرده اند که باید ۱۹ نفر با آذربایجان برسد بنده این را نمی توانم بگویم از روی چه میزانی است و نمیدانم کمیسیون از روی چه حسایی این میزان را قرار داده اند میتوان عرض کنم که از روی يك میزان صحیح نیست مثل اینکه شاید اردبیل و مشکین و آستارا نین و اوجارود و خلخال را هم اشکالی داشته باشم و بگویم کدو نفر کم است نه آن جوری که از روی دلیل بگویم شاید در موردش که صحبت شد عرض نکنم ولی بنده با تیریزی که در تیریز و اوجان عباس و مهران رود و دهخوارقان گویان ارونق و ازبب آلان بر آغوش و هشترود که در ماده اول یکی کرده اند عرض میکنم آن جا را هم کم گرفته اند بجهت آنکه آنجا ها از روی تخمین صحیح یا از روی تعداد نفوس اقلش باید یازده نفر باشد و بعد می آیم باین تراز آن می بینیم ادومی و توابع را نوشته اند دو نفر حالا شاید بنده آنجا را کار نداشته باشم خوی ماسکو سلماس مرند کرکریگان را هم کم نوشته اند و دو نفر را خیلی کم میدانم از روی قانون صحیح نوشته شده است اینست که عرض می کنم ۱۹ نفر در حق آذربایجان خیلی کم است و

ظلم شده است و شاید آن چیزی را که مقدمه دارم پیشنهاد کنم در کلیات این عقیده بنده است

**ذکاء الملک** — در باب عده نفوس و عده نمایندگان در سابق و شور اول هم که همین مواد مذاکره میشد همین اشکالات پیش آمد و حالا باز همان اشکالات میشود بواسطه اینکه همه کس مسبوق است که احصائیه صحیحی در ایران نشده است که بگویم عده جمعیت ایران چقدر است و نمایندگان چقدر باید باشند بعضی از حوزه بندیها که در سابق شده بود که آقاییان ملاحظه فرمودند عده آذربایجان بیش از اینها بوده است از روی يك نظری بعد يك اشخاص هم غیر از نمایندگان از طرف دولت مشخص شدند که مساوت بکنند بکمیسیون انتخابات مجلس و کسانی بودند که در اکثر بلاد ایران بصیرت داشتند مخصوصاً در بلاد آذربایجان و آنها حوزه بندی را که ترتیب دادند واقعاً اساس این حوزه بندی ها که بنمایندگان میرسد از روی آن است و اگر هم تصرفی از طرف کمیسیون شده باشد تصرف خیلی کمی است و آنها عده نمایندگان آذربایجان را ۱۸ نفر معین کرده بودند و کمیسیون یک نفر هم بر آن عده علاوه کرد و این نکته را هم باید ملتفت بود که این ۱۹ نفر غیر از نماینده است که ببلال متنوعه داده میشود که آنها هم دونفر خواهند بود آن وقت اگر واقعاً درست ملاحظه بفرمائید با آذربایجان ۲۲ نفر حق نماینده داده میشود در صورتیکه آن عده را که اشخاصی که خارج از کمیسیون مجلس معین کرده اند ۲۱ نفر بودند بنا بر این همین مذاکره آنکه آقای هشترودی فرمودند و در کمیسیون هم فرمودند کمیسیون حاضر شد و یک نفر اضافه کردند و ۱۹ نفر شد علی الخصوص که در دفعه سابق هم با آذربایجان ۱۹ نفر نامه داده شده بود و شایسته ندانستیم که ایندفعه کمتر داده باشیم حالا اگر بفرمائید که این عده از روی واقع نیست و از روی مقدار نفوس نیست این را هم حرف ندارم و لکن حرف در آنست يك ماخذ و سند صحیحی در دست نداریم نه این که ما بگویم این عده مطابق واقع است بعضی بگویند نه مطابق واقع نیست هر کس هر چه بگوید از روی حدس میگوید یعنی از روی تخمین معین کرده اند که ۲۲ نفر نماینده برای آذربایجان باشد اگر از روی میزان صد هزار نفری یک نفر گرفته باشیم بر حسب تخمین جمعیت آذربایجان از ۴ کرور و نیم ییش نخواهد بود اگر هم واقعاً تقدس شده باشد جمعیت آذربایجان از ۴ کرور و نیم بیشتر باشد و قدری هم از حق آنها کمتر باشد میتوان گفت جزئی است و چیز زیادی نیست که اسباب دلخوری اهالی آذربایجان باشد و بقیه بنده نباید چیزی زیاد کرد و در اینباب نباید آن قدر اصرار کرد از آنجا که ماخذ و سند صحیحی هم در دست نداریم تصور میکنم این عده کافی باشد ۲۲ نفر نماینده از برای آذربایجان خوبست

**منتصر السلطان** — در خصوص آذربایجان که این چاهنده نمایندگان را معین کرده اند برای هر يك از

ولایات و برای آذربایجان ۱۹ نفر معین شده است اساساً باید به بینیم که این را از چه ماخذ و از چه حساب و از روی چه صورتی معین کرده اند آیا احصائیه نفوس داشته اند برای کلیه مملکت ایران که بعضی جاها افزوده اند و در بعضی جاها کم کرده اند اینها بکنند از روی اطلاعات و نظرات شخصی یا از روی نظرات جغرافیایی بوده اگر از روی احصائیه نفوس باشد بنده منکر هستم که در ایران هنوز احصائیه شده باشد مگر چند جا که میگویند که اشخاص را از روی سرشماری عده نفوس را معین کرده اند پس عمومی نشده است خیلی جاها را می بینیم ازبب و گیلان و اصفهان و غیره غیره سرشماری نشده پس از این نظر که رد شد پس کمیسیون که اینکار را کرده است از روی عقیده شخصی بوده است که اینکار را کرده است یا از روی کتبی که در دست است از روی آن معین کرده اند که حالا لازم نیست آن کتابها را شرح بدهم در کتب جغرافیایی جمعیت ایران را از بیست میلیون الی ده میلیون معین میکنند که بنده ۱۵ میلیون تصور میکنم بهمان دلیل که آنها نهم کرده اند و ده میلیون تصور میکنند بهمان دلیل هم بنده که نهم کرده ام بازده میلیون تصور میکنم در همان ماخذ که آنها گرفته اند جمعیت آذربایجان را نسبت به جمعیت کلیه ایران يك ربع یا يك خمس میکنند حالا وقتی که ماخذی را که آنها گرفته اند جمعیت آذربایجان را يك ربع یا يك خمس میکنیم که بنده هم همین مقدمه را دارم آنوقت باید به بینیم که این ۱۳ نفر نماینده چیزیکه با آذربایجان باید برسد چقدر است و اگر ربع حساب بکنیم جمعیت آذربایجان را آنوقت باز باید به بینیم که ربع آن چقدر میشود نباید هر کس از يك نظر شخصی نگاه کند و بگوید چون سابق ۱۹ نفر معین شده بود حالا هم باید ۱۹ نفر معین کنیم بنده عرض میکنم که اگر این نظرها داشتند بهتر این بود که تمام این بلاد ایران را از روی همان نظر سابق معین میکردید که اسباب شکایت نمایندگان آذربایجان و اهالی آذربایجان نشود بنده تصور میکردم که مجلس زیاد تر اگر میخواست دقت بکند برای آذربایجان میبایستی دقت بکند و حقوق آنها را بیشتر حفظ کند بجهت اینکه آن خدمات و اقداماتی را که اهل آذربایجان کرده اند اگر ملاحظه میفرمودند از همه حیث برای افتخار هم اگر بشود زیاد تر که نمیدید اولاً افتخار کمتر نمیدادند چنانچه می بینیم يك ربع یا يك خمس از و کلای مجلس حق آذربایجان است که حکماً باید پیشنهاد شود اینجا مخبر محترم يك منفعت دیگری ابواب جمع آذربایجان کردند میفرمایند که دو نفر برای متنوعه که یکی مسیحی و یکی کلدانی است آنهم اضافه بنمایند های آذربایجان می شود این دو نفر مربوط بنمایندگان آذربایجان نیست بجهت اینکه اگر مجلس شورای ملی بهشتاد هزار مسیحی دو نفر نماینده حق بدهد و ده دوازده هزار نفر کلدانی هم يك نفر نماینده بدهد با آذربایجان مربوط نیست این يك اظهار محبتی است که يك ملتی ملت ایران خواسته است بکند و میگوید کاشا چون جمعیتتان کم است هر کدام یک نفر انتخاب کنید بآن واسطه دو نفر بآنها نماینده داده است برای اینکه در مجلس شورای ملی

نایبمندان باشند و حفظ حقوق خودشان را کلاً بکنند اگرچه تمام نایبندگان حفظ حقوق آنها را میکنند حالا برای اینکه کلدانی ها جمعیشان کم است بگوئیم که شش حق و کیل ندارید و بشما وکیل نمیهم پس مخرمترم نباید اینطور بفرمایند بلکه باید از روی کتاب و براین عقیده عقلی باید اهالی آذربایجان را متقاعد کنند اگر میخواهم ملاحظه بعضی خدمات دیگر اهل آذربایجان بکنیم اقلاً مثل سایر ولایات و ایالات بآنها نایبند بهیم و باید مجلس شورای ملی سایر ولایات را هم اضافه بدهد علاوه عرض میکنم در سایر شهرها توابع آذربایجان هم که معین کردهاند خیلی ظلم شده است یکی را مثل میزنم تا بند در موقمش که وارد شدیم عرض میکنم که چطور بآنها ما هم ظلم شده است مثلاً اردبیل و مشکین و آستارا نمین اجارود و خلخال و غیره را آوردهاند دوتفر نایبند دادهاند در صورتیکه خود خلخال ابتدای خاکش الی اردبیل ۳۰ فرسخ است و عرض ۶ فرسخ و از روی مالیات بدهی او خوب معلوم میشود تقریباً ۳۶۰ پارچه آبادی دارد و دوازده هزار جمعیت دارد و قصباتی که پنجهزار چهار هزار سه هزار جمعیت دارد و مشکین خودش بیش از آنها جمعیت دارد که تمام اینها را در موقع خودش عرض میکنم و بنده مجدداً عرض خودم را تکرار میکنم که یک تمدنی فوق العاده بملت آذربایجان و آذربایجانی شده است و از حقوق ملی آنها کم کرده اند بوند بفرمایند که فرمودند قانع نشد

**مهرزاد الملک** - البته بعضی از نقاط ایران هستند که در راه آزادی مملکت خدمات زیاد کردند که عده آن نقاط آذربایجان است که اگر تمام ملت ایران بخواهد پادشاه خدمات آنها را بدهد از آن عده برنیاید خدمات آذربایجان و آذربایجانی هیچ جای شبهه نیست و هیچکس نمیتواند شک و شبهه داشته باشد ولی چیزیکه هست کمیسیون انتخابات و قتیکه قانون انتخابات امینوش همچو نظر نداشت که بواسطه خدمت حق و کیل بآنها بدهند و تصور میکردند که نظر نایبندگان بر این نخواهد بود که در مقابل خدمات باید نایبند بدهند بلکه ملاحظه نفوس آنجا باید کرد و حق و کیل داد پس اگر بآن نظر بود ممکن بود برای آذربایجان از برای این پادشاه خدمت حق هزار نایبند داد و شاید بعضی از نقاط دیگر هم بودند که میبایست حق هیچ نایبند بآنها نداد البته در مملکتی که هیچ احصائی ندارد و جمعیت او هم نصف درست اختلاف دارد یعنی یک مقابل دو دو مقابل میگویند از ۲۰ کرور تا ۴۰ کرور میگویند در یک همچو مملکتی عده نایبندگان یا عده نفوس را معین کردن از روی چه قاعده باید باشد غیر از اینکه باید از روی یک جمعیت تعیینی باشد و آن جمعیت تعیینی را کی باید معین بکنند البته آن کسانی که از محل اطلاع دارند راه الا وسیله دیگری که درست نیست پس بقیه من ۴۰ کرور جمعیت دارد این عقیده من نمیتواند سند فاطمی شود برای یک حق دیگری که حکما ۴۰ کرور است پس در این صورت ممکن نیست که از روی یک میزان صحیحی معین کرد پس مجبور هستیم عده که تعیینی تمام مملکت ایران را معین کنیم با اینکه ممکن است

بگوئیم دو باب عده تعیینی تمام ایران هر قدر که نایبند در اینجا باشد باید همانند هم مخالفت در آنجا باشد و فراموش این نیست عقیده معتدله اتفاقاً برای همین بوده است بنابر این هم هیئت دولت و هم کمیسیون انتخابات رجوع کردند تا بکسانی که در آذربایجان حکومت داشته اند و اطلاعات مجلسی داشته اند از قبیل شاهزاده فرمان فرما و آقای علاء الدوله و حاج مستحم السلطنه و سهام الدوله و کسانی که در آذربایجان بوده اند و اطلاعات مجلسی دارند علی الخصوص که بعضی از نایبندگان آذربایجان هم بوده اند و آنچه که معین شد برای آذربایجان همانطور که مخرمترم هم فرمودند ۱۸ نفر بود و آنچه از طرف دولت معین شده بود ۱۸ نفر بود این یک نفریکه اینجا اضافه شده است یک چیز است که خود کمیسیون اضافه کرده است برای این بوده است که رفع اشکالات مجلسی شود و دو باره عرض میکنم چون درست عده نفوس در دست نیست و سندی در دست نیست و سندی در دست نداریم که بتوانیم بطور تحقیق جمعیت آنها را معین بکنیم اهالی ایالت با نظریات و اطلاعات اشخاصی که از طرف دولت بصیر بودند و اطلاعات مجلسی داشتند حتماً برای مملکت آذربایجان ۱۸ نفر نایبند معین کرده اند و یک نفر هم اضافه شده است ۱۹ نفر که چندان اسباب دلخوری نباشد و وقت مجلس هم زیادتر ازین ضایع نشود و آقای هشتودی فرمودند که در یک جلسه حاضر بودند و باقی جلسه را تشریف نداشتند اتفاقاً این حوزه بندی در جلسه پیرروزی بود که خودشان هم تشریف داشتند و حاجی معین الزرعیا هم تشریف داشتند اگرچه اظهار کردند که کم است ولی تا این درجه مخالفت نداشتند و دیگر اینکه اگر برخی فرض کنیم که برای آذربایجان مطابق عقیده بعضی آقایان که میگویند خمس ایران است جمعیتش و بنده هم نمیخواهم مخالفتی در این باب بکنم اگر جمعیت آذربایجان را خمس حساب بکنیم تعیینی نایبند او از ۱۸ نفر اضافه شونده عرض میکنم که جمعیت آذربایجان که زیادتر از چهار کرور و یک چیزی بالا نخواهد شد و البته وقتی میگویند که جمعیت فلانجا چهار کرور است ایالت هم جزو اوست ملل متنوعه هم جزو او است کلدانیهای که در آنجا هستند با کلیهها تمام اینها را میگویند یک خمس اهالی ایران است در صورتی که خمس ایران هم باشد حق بیست نفر و کیل دارد غیر از این که نسبت حالا که ما ۲۲ نفر و کیل به آذربایجان داده ایم که ۱۹ نفر با آذربایجان هست و یک نفر بیسوی و یک نفر بکلدانی و یک نفر هم بایل شاهسون اینها ۲۲ نفر میشوند یا این که باید گفت که ایلات شاهسون که در آذربایجان هستند و با سایرین جدا گانه حق و کیل دارند آنها خارج هستند از آذربایجان این را بنده گمان نمیکنم که هیچ نایبند بگویند زیرا که اینها تمام جزو آذربایجان محسوب میشود و شش هر چه قدر هم تصور بکنید از ۲۴ کرور جمعیت ایران بیشتر نمی شود و بیشتر از ۲۲ نفر نیست برای آذربایجان معین کرد بالاخره برای ایران هم یک جمعیتی باید تصور کرد که یک موافقت اهلی هم داشته باشد بر فرض هم که خمس او را بگیریم از برای آذربایجان باز

۲۴ نفر زیاد از آن مقیاس از برای آذربایجان نیست مرض کردم اگر باظهارات و عقاید شخصی تکیه بکنیم در کارها آن وقت کار ما خیلی مشکل است بجهت اینکه من میگویم چهار صد نفر نایبند باید ایران داشته باشد بجهت اینکه جمعیت ایران هشتاد کرور است در صورتیکه تصدیق خواهید کرد که در نظرم بود میخواستم مرض کنم اینست که نظر کمیسیون و نظریه و کلاً این بود که طوری شود که عده نایبندگان خیلی زیاد شود و البته این مسئله قابل انکار نیست که اگر عده نایبندگان خیلی زیاد شود بهین نظری که نصف بلاوه یک هست هر قدر دیر تر حاضر بشود افتتاح مجلس بتأخیر خواهد افتاد پس این نظر یک نظر اساسی بود که کمیسیون خواست حتی المقدور منظور و مراعات کرده باشد از طرف دیگر اگر رجوع بکنیم بجهت وجود یک نایبند از یک مجلسی میبینیم که نایبند می تواند دو منفعت داشته باشد یا این است که جمع کردن منافع عمومی مملکت در یک نقطه معینی نایبندگان مختلفه مملکت ایران در یک نقطه که جمع شوند میتوانند منافع صومیرا حفظ کرده باشند و یک جهت دیگر که حفظ کردن این نظر باشد الحال همان کار را که ۱۹ نفر میکنند همان کار را ۲۰ نفر هم میتوانند بکنند و همان کاری که بیست نفر میکنند همان کار را ۱۹ نفر هم میتوانند بکنند بدون اینکه یک سکه بحق آذربایجان بخورد و اگر برای منافع عمومی مملکت است که یک قسمت از نایبندگان مملکت نایبندگان آذربایجان هستند و آن قسمت نایبندگان آذربایجان هم که در اینجا هستند و اگر برای حفظ کردن حقوق خصوصی آذربایجان است در آنجا همان کار را که ۲۰ نفر میکنند ۱۹ نفر هم خواهد کرد بر فرض هم از آن میزان را که نایبندگان محترم آذربایجانی در نظر دارند اگر یکی دوتفر کسر شود ولی در مقابل یک منفعت بزرگتری که در نظر هست که همان حضور نصف بلاوه یک است که زودتر حاضر شوند که اگر تأخیر شود اسباب زحمت در آنجا میشود بنابر این این ترتیب اسباب سرعت کار خواهد شد و مجلس زودتر تشکیل میشود و هیچ سکه هم بنایبندگان آذربایجان و حقوق آذربایجانی وارد نخواهد شد

**منتصر السلطان** - توضیحی میخواستم عرض کنم دو فقره توضیح داشتم یکی اینکه بنده مرض نکردم که چون آذربایجان خدمت کرده است بیادش خدمت آذربایجانی نایبند زیادتر با بدهند آنها نگاهان این یکی یک توضیح دیگر این بود که بموجب کتب جغرافی جمعیت آذربایجان که یک ربع حساب کرده اند آذربایجان نفوس را یک ربع و بعضی ها یک خمس نوشته اند و کمیسیون گویا از روی نظر خودشان تعدیل میکنند در صورتیکه حق آذربایجان ۲۵ الی ۳۰ نفر نایبند است

**حاج شیخعلی** - اگر ما نسبت بآن نقطه که نایبند هستیم هر کدام بخواهیم عده نایبندگان آن نقطه را زیاد کنیم آن وقت بفرمایش آقای معز الملک باید عده نفوس ایران به ۷۰ الی ۸۰ کرور برسد آذربایجان نسبت بجمعیت و وسعت ۲۶

نفر ۲۷ یک ایران است وقتی خشن خیلی باشد دو مقابل سه مقابل چهار مقابل پنج مقابل جاهای دیگر باشد تازه ۲۶ یک است مثل وسعت خاکش نسبت بخراسان شش است و قتیکه خیلی جمعیت داشته باشد مقابل خراسان خواهد بود آن وقت چطور میشود که چهار کرور ملت ایران در آذربایجان متوطن باشد و باقی در جاهای دیگر همانطور که آقای معز الملک فرمودند هیچ اساس در دست نداریم و همه اش تعیین و نظرات است همانطور است مایک ماخذ صحیحی در دست نداریم لکن در ارومیه تعداد نفوس کرده اند اگر ارومیه احصائی شده بود و معین نشده بود یقین میکنم که ۳ نفر نایبند آنجا حق دارد در صورتیکه عده نفوس آنها را معین واحصاء کرده اند و دیده اند که کلدانی صد و چهار الی صد و هشتاد جمعیت دارد پس باید این نفوس را که هر صد هزار نفر را میخوانند یک نفر بدهند پس حساب کنیم که با جاهای آذربایجان را که حساب کرده اند از روی این حساب بآنها حق و کیل بدهیم باین دلیل سایر نقاطی هم که حساب شده می بینیم خود بخود بنظر تعیینی صرف نیست یک نقطه که عده تعیینی او معین شده می سنجند می بینند که عده نفوس آنها از روی جمعیت ۴ کرور خواهد بود ۱۵ نفر و کیل میدهند خیلی از نقاط است که جمعیت آن بیشتر است و عده نایبندگان آنها کمتر است مثلاً خراسان است که باید ۱۷ نفر بدهند ولی بر حسب حسابی که کرده اند بآن نقطه دو نفر اضافه میدهند پس بقیه بنده عده که برای آذربایجان معین شده اگر زیاد نباشد کافی است

**حاج شیخ اسدالله** - این عده که از برای آذربایجان معین کرده اند اگر چه بنده عضو کمیسیون نیستم ولی میدانم بعد از چندین جلسه و مذاکرات و تحقیقات که شده است این ۱۹ نفر را برای آذربایجان معین کرده اند حالا حاج شیخ علی میفرمایند زیاد است آنرا کار ندارم و عرض میکنم که آن ۱۹ نفر کافی است اولاً اینکه حکم بودنش را باین دلایلی که میفرمایند بنده مخالفم و براهینی را این مطلب دارم از ابتدای این راپورت تا انتهای آنرا بخواهند که از برای ایالات و ولایات عده که برای هر مجلسی معین شده است بسنجند عده جمعیت و مالیات آذربایجان که یک میزان تقریبی است در واقع میزان مالیات چیزی است که میتوان از روی آن میزان مالیات جمعیت هر جائی را خوب معین کرد و میتوان یک حدس از مالیات برای عده نفوس آنجا زد و یک حدس است نه اینکه تحقیقی باشد مثلاً از برای فارس ۱۲ نفر معین کرده اند و از برای آذربایجان ۱۹ نفر معین کرده اند با بنده نسبت این با آن چقدر است آنوقت نسبت مالیات آنها را با هم به سنجیم می بینیم چقدر تفاوت دارد مالیات آذربایجان تنگی و جنسی هشتصد و چیزی است مالیات فارس هفتصد و چیزی است و یکصد هزار تومان فرق دارد پس بواسطه یکصد هزار تومان تفاوت مالیات ممکن است که هر آن نفوس هم بدست بیاید چند نفر خوبست زیاد بکنند اگر بنا باشد که از برای آذربایجان ۱۹ نفر و کیل زیاد تر معین بکنند باید

از برای تمام ایالات و ولایات و کیل زیاد کنند بنده عرض میکنم که کلاً باید ۱۲۰ نفر باشد دویست نفر باشد الا بفرمایند آذربایجان کم است پس برای فارس هم کم است در حالیکه ۱۹ نفر برای آذربایجان کافی است و باین اصرار میخوانند که عده و کلای آذربایجان را زیاد کنند و در جاهای دیگر بگویند که نسبت اعتدال واقع شده است مثلاً نسبت بایالت خراسان ۱۵ نفر و کیل داده اند حالا باید دید که مالیات آنها چقدر است این یک تعیینی است جمعیت او هم نسبت بآذربایجان تقریباً چقدر باید کمتر باشد و نسبت بایالت هم به بنده چقدر تفاوت دارد باید همان نسبت را دارد و آنقدر اختلاف ندارد اما اینکه آقای منتصر السلطان میفرمایند که اگر بخواهند بآذربایجان ۱۹ نفر بدهند بدیگران هم نباید اضافه بدهند این را هم که آقای معز الملک گفتند نمیدانم ایشان از روی چه میزان فرمودند مثلاً در دفعه سابق یک مجلسی بود که کمیسیون انتخابات عده و کلای آنها را درست سنجیده بودند حالا سنجیدند و دیدند ظلم در حق آنها واقع شده و دو نفر و کیل اضافه بآنها داده شود دو نفر اضافه کردند این دیگر محل حرف نباید باشد دو چیز نباید بدهند کمیسیون تحقیقات خودش را کسر دید نسبت بآنها کم داده شده است اضافه کرد بنده به آن نظراتی که عرض کردم نسبت به همه (ایالات و ولایات و قتیکه سنجیدیم می بینیم نسبت بآذربایجان بجاهای دیگر همینقدر کافی است اگر زیاد نباشد کم نیست و اگر زیاد کنند مجبورند بهین نسبت بسایر ایالات و ولایات هم زیاد کنند بنده عرض کردم اگر میخوانند نایبندگان آنها را اضافه کنید آنوقت باید ولایات و ایالات را هم زیاد کنید مثلاً میگویند نایبند آذربایجان ۳۰ یا ۲۵ نفر باشد و فارس را میگویند که ۱۲ نفر باشد نمیدانم از چه نظر این را میفرمایند و حال آنکه خاک فارس را بسنجند ببینند چقدر است نفوس را بسنجند چقدر است مثلاً کرمان و بلوچستان چقدر نسبت بآذربایجان نفوس دارد پنج نفر که برای ایالت کرمان معین کرده اند اما نسبت کرمان بآذربایجان بهین نسبت است که اینجا بنده عرض آنجا سی نفر داشته باشد از روی یک نظر انصافی باید نظر کرد و عده نایبندگان از روی تمام ایالات و ولایات باید تصویب شود اگر غیر از آن باشد و بنایبندگان آذربایجان اضافه شود و بجای های دیگر نشود خیلی بی انصافی است

**نایب رئیس** - مذاکرات کافی نیست (بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

**نایب رئیس** - رای میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند که مذاکره کافی است قیام ما بنده (اکثر قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت ۳۴ رای تصویب شد اسمی نقاط جزء هر حوزه انتخابیه تبریز اوجان - عباس - مهراوه رود - دهخوارقان - کوهکان عجیب شیر اروق ، انزاب آلان ، براغوش و هشتتود

**حاج دکتر رضا خان** - گمان میکنم که همان زحمتی که در یک درجگی و دو درجگی برای ما بود حالا هم از انتخاب عمومی و غیر عمومی گرفتار آن شده ایم چه در موادی که از پیش گذشت چه در این حوزه بندی مثلاً بنده هیچ نمیدانم هشتتود که

خودش قابل است که یک نایبند بدهد برای چه جزه تبریز شده است و گناهش چیست جز اینکه بگوئیم تقصیرش اینست که همسایه یک شهری مثل تبریز شده است مثل اینست که بگوئیم یک شخصی چون همسایه شخص متولی است باید حقوق او یا مالش شود میگوئیم ۹ نفر بتبریز حق میدهم و چهار جارا هم اسم می بریم اوجان عباس - مهراوه رود - دهخوارقان - کوهکان کجا و کجا و علت اینها همه اش اینست که آن حوزه یک کرور جمعیت داشته باشد و آن صد هزار تا تابع آن یا صد هزار تا باشد در صورتیکه مابین آن هزار تا اگر دو هزار نفر تفرقه گرفتند در واقع برای تفرقه گرفتن است و تمام رای نخواهد داد مثلاً از ورامین و خوار و شهریار و این اطراف بگیریم خواهیم رسید بتهران و یک مرتبه بساوجبلاغ اشتها در برقان تارپسیم شهر ستانک میبینیم که نوشته است تهران ده نفر و کیل بنده در حقیقت کلیه باین انتخابات مخالفم و هیچ مناسبت با آن ترتیب انتخاب مستقیم یک درجه ندارد و روح این از آن مطلع نیست

**ذکاء الملک** - این فرمایشیکه آقای دکتر فرمودند در کمیسیون هم مذاکره شد و تمام این نکاتی را هم که فرمودند متذکر هستیم و بودیم و مذاکره کردیم و لکن آیا ممکن هست که امروز در مملکت ایران یک حوزه بندی بشود که اهالی آنها جمع بشوند و حقیقه مشارکت بکنند و یک جماعتی از آنها معرور شوند معلوم است چنین چیزی ممکن نیست اگر دلسوزی میکنند برای اینکه یک جماعتی محرومیت از انتخاب پیدا میکند و رای آنها مدخلیت پیدا نمی کند در انتخابات این دلسوزی را برای هر انتخابی و در هر موردی باید داشته باشید بجهت اینکه همیشه در هر کاری یک جماعتی اقلیت و جماعت دیگری اکثریت پیدا میکنند چه در انتخاب و چه در غیر انتخاب پس آن جماعتی که اقلیت پیدا می کند بگویند که ما محروم شده ایم و در همین مورد مخصوص هم قدم از این بالاتر نمیتوانیم بگذاریم که هر آبادی را یک حوزه یا هر چند آبادی را یک حوزه انتخابیه قرار بدهیم یا آنکه هر آبادی که وسیع است او را برای ابتکار تعیین کنیم چه بکنیم در این صورت آیا باز هم ممکن است تمام مردم مشارکت بکنند در رای یعنی در آن رایی که میدهند همه شرکت کنند تا حقوق تمام افراد مردم و آن کسانی که رای میدهند منظور شده باشد و اگر در این بابین وسعت خاکی که هست و کمی جمعیت اگر بخواهند حوزه بندیها را خیلی کوچک بکنند بطوری که رای دهندگان در یک نقطه واقع شوند هم دیگر راه بنده آنوقت لازمه اش این میشود که نمایندگان ایران را ششصد هفتصد نفر قرار بدهیم غیر از این است و این را نمیتوانیم بگوئیم و گمانهم نمیکنم که کسی بگوید اینطور بکنند و قتیکه نتوانستید این کار را بکنید مجبورید که لابد بعضی آبادیها را با بعضی تنظیم کرده آنها را در انتخاب یک یا چند نفر و کیل شریک کنید و قتیکه این کار را کردید در این مملکت ما که چندین آبادی است و قصبه و شهر است بسیار اتفاق می افتد که چند شهر را هم مجبور میشود که با هم شریک کنیم در این صورت وقتی که اینطور شد نمیتوانیم بگوئیم که این اشخاص یک



بنده عرض میکنم برای اینکه آنجا اشتباه نشود اگر بنویسم هشتون آنوقت نخواست بگریه هشتون را ترجیح بدهیم آنوقت معلوم است که این اکثریتی است که خودمان تراشیده ایم اگر ما میتوانستیم در اقلیت و اکثریت و مسائلی که پیش میاید آن اقلیت را هم بحق خودش میسرسانیم یا میسرسانده باشیم اگر یک نقطه باشد که قابل یک نماینده باشد البته معلوم است که بنیاد آن یک نماینده را بست قسمت کرده بهر یک نقطه یک قسمت داد اما میتوان که نقطه که حق منفر نماینده دارد آنده نقطه را سه قسمت کرد و هر قسمت حق یک نماینده داد و در اینصورت انتخابات هم سهل تر میشود برای اینکه تریز و قتیکه اعلان انتخابات را داد و منتظر هشتون شد باید آنجا هم اعلان و اگر یک هیئت نظارت لازم دارند باید از انجمن نظارت مرکزی و از حکومت بخواهند با آن هیئت در آنجا یک شب مشورتی بکنند آنوقت باز رای خودشان را باید بفرستند بر مرکز آن صندوق برای دست کنی باشد کی حامل او باشد بطور باشد این زحمات را دچار خواننده شد و اسباب ترمیم امر انتخابات تریز هم فراهم میشود در صورتیکه بالاخره هشتون هم مرکز نمیتواند خودش را در مقابل اهالی تریز حاضر کند و پابن واسطه باز نماینده همان نماینده اکثریت اهالی تریز خواهد شد این یکسوی یکسوی دیگر این که میفرمایند در وضع قانون همیشه وضع حاله مملکت باید مراعات بشود وضع حاله مملکت را بنده هم تشریح کنم اگر مملکت ما میتوانست انتخابات بکنند فردی را هم میتوان بکنند اگر خدای نکرده نمیتواند انتخابات بکنند (روبنده عقیده ام اینست که در کمال سهولت و خوبی اهالی مملکت میتوانند انتخابات فردی هم بکنند) انتخابات جمعی را هم نمیتواند بکنند این چه اشکالیست که میکنند اینجا خودشان میتوانند انتخابات بکنند و هم انتخابات فردی را در کمال سهولت و خوبی میکنند و اگر انتخابات جمعی بشود مسئله محرومیت و عدم محرومیت پیش میاید بجهت اینکه انتخابات جمعی محرومیت است از انتخابات بطوریکه تشریحاً عرض کردم که خود هشتون را با توایش که حق یک نماینده دادیم انتخابات خودشان را بعمل خواهند آورد و اگر هم ندادیم بدیهی است که آنها نمیتوانند بطوریکه عرض شد شرکت در انتخابات پیدا کنند و بنده این مسئله را که انتخابات جمعی است که عمومی بودن انتخابات را از بین میبرد و سبب محرومیت از انتخابات میشود بکلی مخالفم و موافق مشروطیت میدانم مفید و با آنکه مخالفم خواه نماینده کان تصدیق کنند خواه تصدیق نکنند و این را مخالف اساس مشروطیت میدانم و این چه اشکالی است که میکنند گمان نیست انتخابات فردی ممکن هم هست و در کمال خوبی هم میتواند انتخابات بکنند اگر یک حاکمی آذربایجان داشته باشد که بدیهی است حکومت های جزه را هم معین میکند آنوقت حکومت های جزه هم یک هیئت نظاری تشکیل میکنند و در کمال سهولت و سرعت انتخابات خودشان را تمام می کنند و اگر یک حکومتی آذربایجان نداشته که بدیهی است تمام انتخابات میماند و وصل نمیناید .

**مهرالملک** - اگرچه آقای بهجت تسلیم گردید و گفتند دو مطلب است یکی صومیت و یکی محرومیت از انتخاب لکن حقیقتاً بنده هر چه فکر کردم تفهیم این محرومیت از انتخاب از کجاست بگویند باید عمومی باشد یا خصوصی باشد یعنی آن شرایطی است که قرار میدهند یعنی یک شرطی مین می کنند که بعضی وارد و بعضی وارد نباشد اگر میخواهند انتخابات خصوصی باشد یک شرطی قرار میدهند که آن شرط را فقط یک صدهم مخصوصی دارا باشد یک صدهم دیگری دارا نباشد یا بشود اینرا فقط میتوان گفت که انتخابات خصوصی است و اگر از برای انتخاب کنندگان شرطی سستی قرار ندهند فقط یک شرطی سهل و ساده قرار بدهند که مردم بتوانند شراکت داشته باشند آنوقت آن انتخابات را میگویند عمومی است و این به چه وجهی نمی تواند دخالت داشته باشد در انتخابات خصوصی یا در محرومیت از انتخاب فقط چیزیکه ممکن است این است که محرومیت در بعضی جاها بعمل میاید ولی بد بخانه یک طوری است که هیچ چاره ندارد و متن به چه وجهی نمیتواند از آن جلوگیری کند اولاً من ندانم که آقای بهجت و کلیه مخالفین انتخابات جمعی بطور شد که آن مخالفت خودشان را در انتخابات جمعی شهرها که در شور اول بنایود بشود اظهار کردند که آن محرومیت است و اگر ما بگوئیم که انتخابات جمعی مخالف مشروطیت و اسباب محرومیت است و این عقیده را دارا باشم آنوقت نباید گفت که انتخابات جمعی در طهران هم اسباب محرومیت است و آقایان که انتخابات جمعی را اسباب محرومیت میدانند در آنجا این اظهار را نکردند پس باید بگوئیم اساس انتخابات جمعی باعث محرومیت نمی تواند بشود یعنی بعبارة اخری می توان گفت فقط باعث محرومیت چیزهایی است که تمام شده است با انتخابات مثلاً بعد مسافت نقاط مختلفه یک حوزه انتخابیه سبب شده است از برای محرومیت نه اینکه انتخابات باین طریق سبب شده است از برای محرومیت دوباره تکرار میکنم که بعد مسافت و مسافت زیاد بین نقاط مختلفه یک حوزه انتخابیه میتواند سبب شود که بعضی مردم محروم شوند بدیهی است در یک مملکتی که آنقدر وسعت خاک ندارد که تقریباً خاکش سه مقابل خاک فرانسه است در یک مملکتی که راه آهن ندارد در یک مملکتی که جمعیست بالنسبه کم است آبادیهای دور از هم است در این مملکت شما امر دایر است بین دو کار برای این که مردم از حق خودشان محروم نشوند از برای انتخاب باید دو کار را بکنیم اگر سیر نمایندگان محترم هم نظرات آقایان را تصدیق بفرمایند یکی آنکه بشماریم کلیه آبادیهای را که روی نقشه ایران است و بهر کدام یک نماینده بدیم آنوقت بنده تصدیق میکنم که شاید بالنسبه آنها نه همه مردم بجهت اینکه بحسب اکثریت و اقلیت بعضی ها محروم میشوند بلکه نسبتاً کلیه اهالی محروم نشوند در صورتیکه اینکار را بکنیم و بایران هفتصد هشتصد نفر نماینده بدیم آنوقت میتوان گفت تا بگذرد از این محرومیت جلوگیری شده است ولی اگر هر چه بکنند انتخابات جمعی و فردی هر قسم که باشد همین که قائل شدند یک انتخابی و یک حوزه انتخابیه که اقلش صد هزار نفر حق انتخاب یک نماینده داشته باشد محرومیت هست و این محرومیت هم اختیاری است محرومیت اجباری نیست

مثل اینکه در آنجا نوشته اند اگر یک کسی نیاید رای خودش را بدهد در آن مدتی که معین شده است برای دادن رای در حق انتخاب محروم است اینجا هم همانطور است آنجا هم محرومیت است اینجا هم عین همان محرومیت است لکن محرومیت اختیاری است محرومیت اجباری ولی محرومیت اجباری از منظر شرطی است که معین میشود یعنی یک محرومیتی که متن در نظر داشته باشد آن محرومیت را بنده صحیح نمی بینم حالا اینکه آقایان میفرمایند که انتخابات باید فردی باشد بنده هم میگویم این نظر خیلی خوب است و یک اندازه از حوزه های انتخابیه بزرگ خارج می شویم و داخل یک حوزه مختصر کوچکی میشویم که دیگران از آن کوچکتر نخواهند کرد فرض بفرمایید سمنان و دامغان که دیگر حوزه انتخابیه از آن کوچکتر نداریم آقایانیکه از آن خط اطلاع دارند میدانند که مسافت بین سمنان و دامغان نوزده فرسخ است پس ممکن است بهمان دلائلی که ما آوردیم و میگویند که انتخابات جمعی سبب محرومیت است بنده هم سمنان و دامغان را دلیل میآورم و میگویم با انتخاب فردی هم که باشد سمنان و دامغان که بیش از حق یک نماینده نخواهند داشت بازم باعث محرومیت خواهد شد بجهت اینکه از سمنانی یا دامغانی از هر کدام که معین شود نماینده یک طرف اکثریت خواهد داشت و یکی اقلیت و بدیهی است که باز یک عده که نمایندشان قبول نمیشود در طرف اقلیت واقع میشود محروم خواهد بود و این که میفرمایند انتخابات فردی باعث دادن حق است در قانون انتخابات ذکر شد در حوزه های انتخابیه در یک ماده مخصوصاً ذکر شد که مکلف است انجمن نظارت مرکزی هر حوزه انتخابیه که مساب خودش را در آن حوزه انتخابیه معین بکنند حتی در راپورت کمیسیون لفظ (میتواند) نوشته بود که لفظ میتواند حذف شد و مکلف است نوشته شد که انجمن نظارت مرکزی در نقاط لازمه با تصویب حکومت یک شعبه از خودش در آنجا ما دائر بکنند بنده هم عرض میکنم که حق انتخابات آنها هم ضایع خواهد شد اما چه چیز مانع خواهد بود که اهالی ده خوارقان بیایند آراه خودشان را در شعبه انجمن نظارت مرکزی حوزه انتخابیه تریز ندهند و اهالی ده خوارقان را که یک شعبه هم دارد چه چیز محروم میکنند که شراکت داشته باشد در انتخاب آذربایجان چه چیز شما را واداشت است که میگوئید محروم شده اند از انتخابات دیگر اینکه بگوئیم مناسب کلیه آراه اهالی ده خوارقان از تریز کمتر خواهد شد عرض میکنم این یک محرومیتی است که در بین کلیه اکثریت و اقلیتهاست و هیچ تفاوت نمی کند هر طریقی که عده آراه اش زیاد تر است البته آنطرف انتخابات آنجا را خواهد برد میخواهد شرکت بکنند میخواهند شرکت نکنند خیلی خوب جاهای دیگر هم جمعیت بکنند میباید حتماً بخواهند شعبه انتخابیه خودشان را دائر بکنند تا ما شان میباید برای بدین حدی میتوانند انتخابات خودشان را ببرند و اینکه کاندیدای ده خوارقان حاضر اکثریت نباشد بجهت اینکه حتی عده آراه ده خوارقان کمتر بوده است از عده آراه تریز این یک بدبختی است که خودشان سبب بوده اند بهمان طوریکه مغیر

فرمودند این چیزی است که هر اکثریتی از اهالی تریز میبرد این در همه دنیا هست همه اکثریت ها از اقلیت ها میبرد و اگر بخواهند خودشان اکثریت پیدا کنند میباید اهالی چندین نقطه جمع شوند و رای بدهند در انتخاب خودشان باین طریق خیلی خوب میشود که آنها هم انتخابات خودشان را ببرند والا همیشه حق اقلیت پایمال یک اکثریت است حالا اگر یکی از نمایندگان یک راه یک طریقی پیدا بکند برای اینکه اقلیت غالب برا ثریت شود بنده که گمان میکنم در سایر جاها پیدا نتوانستند بکنند و در تمام عالم هنوز نتوانسته اند که یک مرکزی و یک علاجی از برای این پیدا بکنند که همیشه اقلیت پایمال اکثریت نشود حالا اگر یکی از نمایندگان پیدا بکند یا کرده باشد یک مسئله دیگری است دیگر آنکه یکی از آقایان فرمودند با آقای دکتر رضا خان بوده با آقای بهجت که فرمودند اگر هر نقطه بخواهد مستقیماً انتخابات بکند یعنی منفرد باشد و مرکز انتخاب منتظر انتخابات آنجا نشود اسباب تسهیل کار میشود و یعنی این ترتیب اسباب بطور جریان امر انتخابات نخواهد شد برای اینکه انجمن نظارت مرکزی باید منتظر اختتام انتخابات آنجا بشود و زودتر نمیتواند انتخابات خودش را تمام کرده بداند بلکه یک مدتی را که قانون برای آنها معین میکند آنقدر را منتظر خواهد شد انجمن نظارت مرکزی حق دارد انتخابات خودش را تمام کند و دیگر منتظر آنها نشود پس این تفاوت خیلی میکند در تسهیل امر انتخابات یک حوزه انتخابیه شراکت در امر انتخابات نقطه دیگر بکنند که این نقطه را جزه حوزه دیگر بکنند بجهت اینکه یک حوزه میدهم که حتماً زودتر انتخابات خواهند کرد اگر آن حوزه دیگر را که چندان احتمال نمیرود بتواند سرعت این حوزه انتخابیه انتخابات خودش را انجام بدهد جزء این حوزه سریع العمل قرار بدیم بدیهی است که بواسطه انتظار اختتام انتخابات آنها قدری افتتاح مجلس شورای ملی تاخیر خواهد افتاد و این هیچ جای شک و شبهه نیست که در صورتیکه جزء یک حوزه انتخابیه سریع العمل بشوند آنوقت چندر مدخلیت دارد در افتتاح مجلس که زودتر مجلس افتتاح خواهد شد و یک مسئله مهم دیگر اینست که ما هر چه بنویسیم هر قانونی که بگذرانیم هر اقدامی که بکنیم فرع خواهد بود از برای یک اصل محکم داده نمیشود برهکس تصور کنیم قانون انتخابات را اصل تصور کنیم و چیزهای دیگر را فرع اینطور نیست تمام چیزها فرعند برای یک اصل و آن اصل چه چیز است حفظ مملکت است و حفظ مشروطیت پس باید آن اصل را همیشه نظر کرد و تمام اینها وسائلی است که ما را میسراند بآن مقصود پس آن متن و کسانیکه قانون گذار هستند قانون مینویسند باید بگذردی هم در موقع قانون گذاری مقتضیات مملکت را در نظر داشته باشند و قانون گذاری کسانی نداشته باشند و از روی کتاب قانون بگذارند و تازه اشخاصی که این را نوشته اند این نظر را داشته اند که بچه وسیله مجلس شورای ملی که امروز اساس مشروطیت ایران است بچه راه و بچه وسیله زودتر میتواند افتتاح یابد آن وسیله انتخابات جمعی نمایندگان

است یعنی یگانه وسیله است که زودتر نمایندگان را حاضر بکند در مرکز و مجلس شورای ملی را منعقد - نماید شما میخواهید که حوزه های انتخابیه کتابی روی کاغذ معین بکنید چنانچه در ابتدای قانون انتخابات عرض کردم که اگر میخواهید از روی کتاب حوزه بندی بکنیم بنده شما اطمینان میدهم که این قانون انتخابات فقط روی کاغذ خواهد ماند و فقط ما باید بدون اینکه یک مجلس شورای منعقد داشته باشیم و بدون اینکه یک انتخاباتی بعمل یاید باید دلخوش باشیم که قانون انتخابات ما مطابق یک (نه اوری) غیر معلومی بوده است .

**نایب رئیس** - حالا مذاکرات را آقایان کافی نمیدانند ؟

(بعضی کافی و بعضی غیر کافی دانستند)

**نایب رئیس** - رای میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - اکثریت است پیشنهادی است از آقای حاج میرزا رضاخان قرائت میشود (بسیارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که محل هشتون را از بلوکات اطراف تریز خارج و مجزا نمایند زیرا که از نقاط دور دست هشتون کسی فاصله نیست فرسخ بتریز برای انتخاب نماینده نخواهد آمد بهتر این است که یکی از قصبات هشتون را از آتش یک و سر اسکندر انتخاب نمایند که مرکز انتخاب سهل باشد .

**حاج میرزا رضاخان** - اگرچه برای تعیین حوزه بندی جدید بنده را هم بکمیسیون انتخابات دعوت کرده بودند ولی متأسفانه بعلت ناخوشی نتوانستم حاضر شو - حالا بطوریکه پیشنهاد کرده ام در موضوع تعیین مرکز انتخابات شهر تریز و اطراف عرض میکنم اینکه چند بلوک اطراف تریز با خود شهر یکجا نوشته اند در انتخابات آنها که حومه شهر هستند آنقدر اشکالی ندارد ولی در مسئله انتخاب هشتون چنانکه در ضمن مذاکرات چند روز قبل هم عرض کردم حالا نیز متذکر میکنم که محال هشتون را با آن بعد مسافت و وسعت عرض و طول آن قطعه جزء بلوکات شهر مقید کردن و نه نفر یکجا متعینین را رای دادن بقیده بنده صلاح نیست اولاً در نقطه هشتون و بیلات عدیده از شقایق و عده تخته قاپو هستند و ساکنین دهات در آبادی متصل بهم پراز جمعیت آنقدر موجود است که افواج میدهند و سوار کثیری میدهند و ثانیاً روایت هشتون را تابع شهر قرار دادن و علاوه بر این از جاهای دور دست هشتون مثلاً از محال تاپاپ که تا شهر بیست فرسخ مسافت دارد چگونه ممکن است اهالی دهات بشهر آمده وکیل منتخب نمایند بهتر است بطوریکه پیشنهاد کرده ام در آتش یک یا در سر اسکندر مرکز انتخابی علیحده معین شود و دفتر نماینده هشتون در آنجا معلوم شود .

**محمد هاشم میرزا** - میخواستم عرض کنم که این مطلب که میفرمایند سی فرسخ مسافت دارد که بیاید جزء شود اینرا در نظر نداشته اند که آنروز گذشت البته باید انجمن مرکزی شعبه خودش را در این نقاط لازمه تشکیل بدند دیگر از سی فرسخ کسی نمیکوید بیاید در تریز رای بدهند هر حوزه

انتخابیه بدیهی است که انجمن نظارت در نقاط لازمه تشکیل شعبه جزء میدهد اما در اصل این پیشنهاد بنده مخالفت ندارد ممکن است زای که بگیرند بنده هم رای بدیم خواستم این راهم متذکر باشم

**نایب رئیس** - آقای مغیر چه میفرمایند ؟

**ذکاء الملک** - اگر هشتون را جدا کردیم باید بیست نقطه دیگر ضمیمه کنیم آن وقت از تناسب میافتد .

**نایب رئیس** - رای میگیریم - رای میگیریم پیشنهاد آقای حاج میرزا رضا خان آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

**نایب رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای بهجت قرائت میشود بعبارت ذیل قرائت شد .

**بهجت** - بنده یقین دارم حالا بواسطه تصوراتی که میکنم از قبیل سهولت انتخابات و غیره همینطور خواهد گذشت و من بینه بشیمانی خواهیم کشید یقین دارم پیشنهاد بنده هم رد خواهد شد ولی برای اینکه مطابق حوزه بندی هیئت نظارت جزء معین شده است و برای اینکه میان حوزه های جزء و سایر نقاط دیگر یعنی انجمن نظارت مرکزی اختلاف دیگر بروز نکند و یک مدت اوقات مجلس از ابتدای انعقادش برنگردد و راجع بعمل انتخابات بشود بنده پیشنهاد کردم که هر جاییکه انتخابی در سابق فردی بوده است مثل سابق فردی باشد حالا رای بگیرد .

**نایب رئیس** - این پیشنهاد اشکال دارد بهجت اینکه پیشنهاد میکنم مطابق پیشنهاد سابق کمیسیون مجلس این رای را بدهد و اگر مجلس رای بدهد مجبور است که همان رای سابق را بدهد و باین نمیشود باین جهت رای گرفت عجالتاً ده دقیقه تنفس است (در این موقع تنفس شد)

بعد از تنفس یک ربع فرورمانده مجدداً جلسه تشکیل شد .

**نایب رئیس** - بقیه شور انتخابات چون مغیر معذور بودند و غایب هستند میماند برای جلسه آتی راپورت کمیسیون بودجه راجع بمیرزا عبدالعبید خان پیش خدمت قرائت میشود مخالفی نیست .

(اظهاری نشد) - راپورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد .

لایحه وزارت مالیه راجع بمیرزا عبدالعبیدخان پیش خدمت قرائت گردید مبلغ دوست و چهل تومان میرزا عبدالعبید خان حقوق جزء صرف جیب داشته در سنه قوی ثل نصف این حقوق برقرار و نصف مقطوع شده مبلغ دوست و هشت تومان نیز جزء کتابچه آذربایجان حقوق داشته و در جزء حقوق میرزا عبدالعبید خان منظور نشده است وزارت مالیه تقاضا نموده بودند یکصد و بیست تومان دوست و هشت تومان اضافه بر یکصد و بیست تومان مصوبه مجلس سابق برقرار شود پس از مذاکرات لازمه کمیسیون بودجه با اکثریت این پیشنهاد وزارت مالیه را رد نموده و حقوق میرزا عبدالعبید خان را همان یکصد و بیست تومان مصوبه مجلس در قوی ثل کافی میدانند .

**نایب رئیس** - رای میگیریم بر راپورت کمیسیون بودجه که تصویب نکرده است اضافه مواجب

میرزا عبدالعزیزخان را هر کس بازپورت کمیسیون موافق است و رفته مقصد و هر کس مخالف است در وقت کبود خواهند داد. (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان به عدد ۴۲) (رأی شماره نمودن) **نایب رئیس** - با اکثریت (۴۲) رأی از (۶۱) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد.

**نایب رئیس** - بازپورت که سیون نظامی و کمیسیون بودجه را چه به تجدید کثرت کمیسیون مهندس قورخانه قرائت میشود:

(۱) لایحه کمیسیون نظام عبارت ذیل قرائت شد - کمیسیون نظام روز ۴ شهر رجب در تحت ریاست آقای دکتر امیر خان منعقد گردید و در خصوص تجدید کثرت کمیسیون مهندس قورخانه که وزارت جنگ بجنس مقدس ارجاع شده بود مذاکرات لازمه بعمل آمد کمیسیون نظام تجدید کثرت مزبور را با اکثریت آراء تصویب و عین آنرا بجنس تقدیم مینماید.

ماده (۱) کمیسیون مداخلت خواهد نمود مدت سه سال شمسی بخدمت دولت علیه ایران بسمت مهندس قورخانه و کارخانه جات نظامی و معتمد میشود که بطور شایسته تکالیف خود را در این مشاغل بعمل آورده نیز در مدت کثرت خود بالغ سی نفر شاگرد را که باو سیرده میشود بعلیات میکانیکی تعلیم کرده و هر گاه کمیسیون بوسیله از شرایط مقرر با وزارت جنگ تخلف کند و ناموجبات عدم رضایت وزارت جنگ را فراهم نماید دولت مختار است که کثرت مشارالیه را نسخ نماید در این صورت دیگر کمیسیون بوظیفه حق مواب و مقرری را نخواهد داشت.

ماده (۲) - تاریخ تجدید این کثرت از روز اول حمل ایت ثیل ۱۳۲۸ لغایت سه سال شمسی خواهد بود.

ماده (۳) - دولت علیه ایران سالی معادل دوهزار و چهار صد تومان به چهار قسط مقرر بمشار الیه کار سازی خواهد نمود رجوع بکمیسیون محترم بودجه میشود.

(۲) - بازپورت کمیسیون بودجه عبارت ذیل قرائت شد.

لایحه وزارت جنگ و بازپورت کمیسیون نظام در خصوص استخدام کمیسیون مهندس قورخانه در کمیسیون مطرح گردید و مطابق ذیل تصویب شد.

ماده - وزارت جنگ مختار است کمیسیون مهندس قورخانه و کارخانجات نظامی را به مدت سه سال از قرار سالی دو هزار و چهار صد تومان استخدام نماید.

**نایب رئیس** - مذاکرات در کلیات است **حاج سید ابراهیم** - اگر چه مخیر کمیسیون نظام حاضر نیست ولی رئیس کمیسیون نظام حاضر است می تواند در یک بازپورت ذکر میکند مدت استخدامش از اول - ۱۳۲۸ است در حالیکه بازپورت کمیسیون بودجه در ماه شوال ۱۳۲۹ تصویب شده و تاریخ بازپورت کمیسیون نظام در ماه رجب ۱۳۲۹ است نمی دانم چطور تصویب خواهد شد و مخصوصاً این که منویسده سی نفر شاگردی که باو می سپارند تعلیمات بدهد این بهترین قیودی است که در کثرت ها باید بشود

و اینجا دیده میشود و شاهانه من بند هم در سایر کثرت ها هم قید خواهد شد آیا به بینم در این مدت یکسال و نیمی که گذشته است شاگردی باو سیرده شده است چیزی یاد گرفته اند یا یاد نگرفته اند یا اینکه روی کافه بوده است اگر چنانچه اصلاحی دارنند خوب است بفرمایند که هر دو جهت را مطلع باشیم و معلوم شود.

**دکتر امیر خان** - از باب کثرت همان طوری که فرمودند مدتی گذشته است این باید یک سال بیشتر باید ولی نه تصیر کمیسیون نظام است و نه تصیر کمیسیون بودجه بواسطه کاینکه هاسکه تجدید شده هی کمیسیون نظام از وزارت جنگ توضیح میخواست مدتی طول میکشد وقتی نظریات وزارت جنگ بکمیسیون می آمد آن وقت از وزیر جنگ تغییر می کرد کمیسیون دو باره مجبور بود نظریات وزارت جنگ را جلب نماید و تأخیرش از این جهت است تصیر کمیسیون بودجه و نظام و بوظیفه نیست اما این که فرمودند شاگرد مائی که در تحت تعلیم آورده است شاگرد باو داده اند یا نداده اند گمان نمیکنم که شاگرد باو داده باشند و باید این شاگرد را از وزارت جنگ باو بدهند الا او مضایقه نمی کند هر خدمتی باو رجوع شده است او در خدمات خودش قصوری نکرده است و خیلی هم خدمت کرده است و بیست سال است خدمت کرده و خیلی هم آدم قابلی است و در ایران هم بوده است و فارسی را هم خوب میداند اگر خواست باشیم بیشتر مهندس برای استخدام قورخانه بیاوریم بهتر از او نمیتوانیم بیاوریم.

**دکتر حاج رضاخان** - گویا جواب آقای حاج سید ابراهیم داده نشد بجهت اینکه آن ایرادیکه آقای حاج سید ابراهیم کردند اساسی بود بکثرتی که شده است تعلیم سی نفر شاگرد است و معلوم نیست که وزارت جنگ سی نفر شاگرد را باو سیرده اند یا نه و از آن موقع یکسال و نیم گذشته و یکسال و نیم دیگر وقت دارد و این یکسال و نیم دیگر نخواهد توانست که افاضی وظیفه اش را بنماید و مطابق این بازپورت رفتار بنماید و چنانچه تجربه کرده ایم ما کثرت با یک مستخدم خارج می کنیم مدت که میگردد آن وقت بعضی شرایط پیشنهادی کنند و اضافه حقوق میخواهند و بعضی ترتیبات دیگر میخواهند در صورتیکه یکسال و نیم بیشتر با خدمت نکرده است و هیچ آن وظیفه که باید از او بظهور برسد نرسیده است پس بهتر این است او که حالا باین مبلغ مستخدم میشود از حالا بیست سه سال باشد که مدت داشته باشد هم بوظیفه خودش عمل کرده باشد و هم ما استفاده از او برده باشیم.

**دکتر امیر خان** - فرمایشی که فرمودند حالا مدت راز زیاد بکنیم تفاوتی ندارد بعد از یکسال و نیم که گذشت باز تجدید کثرت میکنند کمیسیون بوظیفه تا بحال در قورخانه بوده است و خدمت هم کرده است فرض بفرمایند ما و راهای دیگر هم داشته ایم و صاحب منصبهای خارج را از جاهای دیگر خواستیم فرض بفرمایند از ژانبار مرمری و جلغای دیگر هم شرط کردیم که باید رضایت آن ها هم حاصل بیاید اگر عمل آنها را منظم نکنیم و ما محتاج آنها را نرسانیم و شاگردانی که باید تعلیم بدهند نهمی تصیر آنها

**نوعاهد بود تصیر ما است که ما محتاج آنها را نداده ایم** و اگر یکسال و نیم کم است از برای تعلیم شاگرد ما وقتیکه یکسال و نیم تمام شد آتوقت دوباره یکسال و نیم دیگر تجدید میکنیم.

**نایب رئیس** - مذاکرات گویا کافی است رأی میگیریم داخلدر شود مواد شومیم.

**کاشف** - در رأی عرض دارم رأی دادن منوط باطلاع است و این توضیحات که دادند مزید بر اطلاع ما نخواهد بود و نمی توانیم رأی بدهیم بنده مکرر این را عرض کرده ام و حالا هم این را در این مورد مخصوص عرض میکنم که وزراء یا معاونین آنها باید حاضر باشند که توضیحات در این گونه را بپور بدهند در این مدت سابقه خدمات ایشان را بنمایند و آن وقت رأی بدهیم و حالا بنده نمیتوانم آن چیزی که باید وظیفه ما باشد به آن عمل بکنیم بنده نمیدانم وظیفه خودم را که رأی بدهم یا نه.

**نایب رئیس** - اگر مذاکرات را کافی میدانند تارای بگیریم.

**دکتر علیخان** - اینکه توضیحات میخواهند در این خصوص بنده نمیدانم چه توضیحاتی لازم است کمیسیون چندین سال است که در ایران خدمت کرده است حالا هم خدمت کرده و بصدقات هم خدمت کرده است و یکی از اشخاص است که از همه بهتر خدمت کرده است و این حقوقیکه از برای او معین شده است خیلی کم است نسبت بخدماتیکه کرده است و نمیتواند بکند بنده گمان میکنم که در این نوع که خیلی محتاج هستیم بپستشارهای خارجی نباید دیگر این اندازه ایراد گرفته شود.

**دکتر رضاخان** - بنده عرضی دارم.

**نایب رئیس** - رأی میگیریم.

**دکتر رضا خان** - سوء تفاهم شده است باید توضیح بدهیم.

**نایب رئیس** - دیگر حق ندارید مذاکره بکنید.

**دکتر رضاخان** - باید توضیح بدهم **نایب رئیس** - دیگر حق ندارید اشعار میکنم شما - رأی میگیریم که مذاکرات کافی است یا غیر هر یک از آقایان مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند. (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت تصویب شد که مذاکرات کافی است - رأی می گیریم که داخل در مواد بشویم یا نه آقایانیکه تصویب میکنند داخل در مواد بشویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**نایب رئیس** - با اکثریت تصویب شد - ماده اول بعبارت ذیل قرائت شد (ماده ۱) - کمیسیون مداخلت خواهد نمود مدت سه سال شمسی بخدمت دولت علیه ایران بسمت مهندس قورخانه و کارخانجات نظامی و معتمد میشود که بطور شایسته تکالیف خود را در این مشاغل بعمل آورده و نیز در مدت کثرت خود بالغ سی نفر شاگرد را که باو سیرده میشود بعلیات میکانیکی تعلیم کرده و هر گاه کمیسیون بوسیله از شرایط مقرر با وزارت جنگ تخلف کند و ناموجبات عدم رضایت وزارت جنگ را فراهم نماید دولت مختار

است که کثرت مشارالیه را نسخ نماید در این صورت دیگر کمیسیون بوظیفه حق مواب و مقرری را نخواهد داشت.

**حاج سید ابراهیم** - بنده خیلی میل دارم که ما مطالبی را که میخواهیم اجرا کنیم بعلیات باشد نه برای قورخانه و کارخانجات نظامی می بینم که یک کارخانه داریم که در میدان توپخانه افتاده است و جرعه اش در توی قورخانه افتاده است و دیگر کارخانه نداریم این یک شرطش شرط دویمش که باید استفاده بکنیم و خیلی لازم است آن تعلیم سی نفر شاگرد است آن هم یک چیزی است که باید به قول وزیر قبول کنیم و رئیس کمیسیون نظام هم که میفرمایند چنین شاگردانی در بین نیست فقط برای روی کافه آوردن است و روی کافه هم هیچ فایده برای ما ندارد خوبست بنویسید که کمیسیون بران را استخدام میکنیم برای خدمات وزارت جنگ بنده از خدمات این شخص واقفاً اطلاع دارم که خدمت کرده است و خیلی هم استفاده از او کرده ایم و شخصی است که بفرستی خدمت و رفتار کرده است ولی چیزیکه فایده از او نمیبریم چه فایده دارد فقط دلغوش کردن و روی کافه آوردن است پس بهتر این است یا این شرایط را برداریم یا اینکه سی نفر شاگرد را بدهند باو که آنها را تعلیم بدهد و این مدت یک سال و نیم را اضافه بکنند که اقلاً یک فایده از او برده باشیم و حالا که میخواهند فایده از وجود او ببرند فقط روی کافه آوردن نباشد عمل هم داشته باشد.

**آقا میرزا ابراهیم خان** - اینجا فقط محض اطلاع آقایان نمایندگان محترم لازم دانستم که اطلاعات خودم را بعرض برسانم و این مدافعه از شخص نیست بلکه برای اطلاع خاطر آقایان محترم است کمیسیون بوظیفه از سی سال است در خدمات دولت علیه ایران مستخدم بوده است با همین مراجع و در این مدت سی سال از این دوهزار تومان و کسری نه یکشاهی زیاد خواسته است نه کم و میداند که سایر مستخدمین هر سالی یک مدداری اضافه حقوق میخواهند خدماتیکه کرده است سوار کردن ماشین آلات ضرابخانه است که آقایان محترم میدانند که از بدو تأسیس ضرابخانه در این شهر چه کرده و دیگر ترتیب دادن ماشین های کارخانه فشنگ سازی است که امروز در این شهر سوار و حاضر است لکن متأسفانه بی فایده مانده است و یک شخص دانائی مثل شخص کمیسیون بوظیفه بیکار مانده است گذشته از آنها ماشین آلات بزرگ توپ ریزی و گلوله ریزی که در خود کارخانه که آن هم از همت این شخص مرتب شده و سوزان شده و حاضر شده است و اشخاصی هم که در قورخانه هستند آنها را هم ترتیب کرده است و تعلیم یافته اند و در آنجا خدمت میکنند و آنها کمیسیون بوظیفه بنده امروز در خدمت وزارت جنگ مثل یک کتاب علمی میدانم که بدست یک آدمی افتاده باشد که نخواهد از وجودش استفاده کند اگر از کمیسیون استفاده تعلیم و تربیت نکنند تصیر او نیست و وقتیکه اراضی باشد از برای تعلیم شاگرد ایرانی و شاگردیو ندهند این مسلم است که خود او هم متأسف

است که نتواند صنومات خودش را نشان بدهد آنچه از او خدمت برمیآید بخرج بدهم کمیسیون کسر است که باید دولت علیه ایران مثل یک نفر مستخدم داخلی فرض کند و این مواب را عوض اینکه کثرت با او بدهند باید فرمان در حق او صادر کنند زیرا که که هر خودش را در خدمت دولت علیه ایران صرف کرده است و در واقع خدماتیکه او کرده است کمتر از مستخدمین ایرانی کرده اند و کمتر از مستخدمین اروپائی کرده اند یکی از هنر هائیکه او بخرج داده است طاق همین تکه دولت است که او ساخته است که کمیسیون کار کسی نیست عرض بنده این است که ما باید خودمان استفاده بکنیم از مستخدمینیکه استخدام میکنیم نه اینکه آن مستخدم خودش باید و هنر خود را تجسم بدهد این یک فکری است محال ولی این شخص برخلاف سایر مستخدمین است که چندان از وجودشان منتفع نشدیم و مواب های خیلی گراف با آنها میدهم و آن ها راه میروند (گفته شد صحیح است) برخلاف از وجود این شخص منتفع میشویم بنده عرض میکنم که این شخص خدمات شایان نموده و قابل تعجبات است و باید وزارت جنگ و اولیای عظام و وکلای محترم قدر اینجور مستخدمین را بدانند و در گذشتن این لایحه موافقت بنمایند **نایب رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (گفته شد کافی است)

**نایب رئیس** - رأی میگیریم در ماده اول هر یک از آقایان باماده اول موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - با اکثریت ماده اول کمیسیون نظام تصویب شد.

ماده ۲ - بازپورت کمیسیون نظام خوانده میشود

ماده ۲ - بازپورت کمیسیون نظام عبارت ذیل قرائت شد.

ماده (۲) تاریخ تجدید کثرت از روز اول حمل ایت ثیل ۱۳۲۸ لغایت سه سال شمسی خواهد بود **حاج سید ابراهیم** - این بیاناتیکه آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرمودند جواب عرض بنده نبود و بنده موافق بودم با این پیشنهاد و لهذا پیشنهاد کردم که تاریخ او از زمانیکه در مجلس شورایی میگردد باشد مقصود بنده این بود که یک چیزی که منویسیم و میگردد فقط روی کافه آوردن دلغوش کنند است و نتیجه از او نمیگیریم نه اینکه عرض کردم که تصیر کمیسیون بوظیفه مستخدمین است که اگر وزارت جنگ بخواهد حاضر بود و میگفت که ما نمیتوانیم از این ماده استفاده ببریم میگفتیم این ماده را بردار و حالا هم پیشنهاد میکنم که از حالا شروع بشود برای اینکه راجع بان کارخانه باشد و راجع بان ۳۰ نفر شاگرد که استفاده کنند خوب بود آقا در آن فقره توضیحات میفرمودند که در حسن خدمت او والا او را تصدیق دارم.

**متین السلطنه** - این اظهاراتی که بعنوان مخالفت میشود بنده درست غور کرده دیدم که هیچکدام مخالفت نیست فقط مثل اظهاراتی که آقای دکتر حاج رضا خان فرمودند بر حسب ظاهرش مخالفت است و لکن مخالفت نیست فقط میگویند این مدت یکسال و نیم کم خواهد بود از برای راه انداختن

کارخانجات و آموختن تمام عملیات را بآن ۳۰ نفر شاگرد و بآن استفاده که وزارت جنگ ممکن است بکند و بآن ۳۰ نفر شاگرد را بتواند در تمام آن عملیات میکانیکی استاد بکند هر دو مطلب یک نظر مدافعت هیچکدام مخالفت با اصل مطلب ندارد وزارت جنگ بکند کمیسیون بوظیفه را از برای این استفاده نمیکند که یک تغییرات اساسی در قورخانه بدهد که مستخدمینیکه زیاد بشود بمبارت اخیری کمیسیون بوظیفه در تغییرات و تبدیلات اداری حق رأی ندارد فقط ایشان مهندس قورخانه خواهند بود و کارخانجات قورخانه را مرتب مینمایند یعنی استخدام میشود مهندس قورخانه و کارخانجات بنده اطلاع نام از این کارخانجات سطحی است ولی میدانم چندین کارخانجات هست و شایسته این بود که وجود داشتن کمیسیون بوظیفه اینها را بکار بیندازند و حالا امیدواریم که از این بیمه بکار بیندازند اما مسئله دوم که در باب شاگردها باشد این ایراد هم وارد نیست زیرا که در مدت یکسال و نیم ایشان نمیتوانند این شاگرد را در تمام عملیات ماهر کنند شاید در ضمن سه سال هم نتوانند استاد بکنند ولی ایشان معتمد میشوند که ۴۰ نفر را در عملیات میکانیکی داخل بکنند بعد از آن اگر دولت خواست ایشان را اجیر بکند متمم آن عملیات را ایشان تعلیم خواهند داد اگر دولت ایشان را مستخدم نکند دیگران تعلیم خواهند داد پس هیچکدام از این دو ایراد نمیتواند مانع از گذراندن این کثرت باشد.

**دکتر سید الاطباء** - چنانچه آقای متین السلطنه فرمودند هیچکس اینجا مخالفت ندارد و همه کم و بیش کمیسیون بوظیفه را میباشند که خدمت کرده است ولی اینجا تصور میکنم که ما اگر این کثرت را یکسال و نیم ببندیم این یک چیز غلطی است و خلاف قانون است ما چطور بتوانیم یک کثرتی را در یک سال و نیم ببندیم این است که بنده عقیده ام این است که مدت از همین امسال قرار بدهیم.

**نایب رئیس** - چون در این باب پیشنهاد شده است اگر مذاکرات کافی است پیشنهاد خوانده شود یکی از طرف آقای افتخار الواعظین است و یکی از طرف آقای حاج سید ابراهیم (۱) از طرف آقای افتخار الواعظین بمبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوم این شکل نوشته شود ماده (۲) تاریخ تجدید این کثرت از روز اول حمل تنگوزئیل ۱۳۲۹ لغایت ۳ سال شمسی خواهد بود (۲) از طرف آقای حاج سید ابراهیم باین عبارت قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول ابتدای تاریخ کثرت کمیسیون بوظیفه بود آن وقت تصویب آن از مجلس شورای ملی باشد.

**دکتر امیر خان** - آنچه عقیده شخصی بنده و عقیده کمیسیون هم شاید این بوده است این است که از روزیکه مدت سابق تمام میشود تجدید کثرت از آرتوز باشد حالا از آرتوز اگر میخواهند ۴ سال باشد ممکن است چون این شخص تا بحال مشغول خدمت بوده است و از آن روزیکه کثرت سابق او منقضی شده است بایستی تجدید بشود ولی اگر نظر آقایان بطول مدت باشد و بخواهند مدت را زیاد بکنند کثرت را ممکن است چهار سال یا پنج سال

بکنند بهجت اینکه اگر بخواند طول مدت داشته باشد در حال این شخص مدتی است که در خدمت دولت ایران بوده است و در این مدت در قورخانه و در فشنگ سازی و کلبه سازی مشغول بوده است حالا اگر شاگرد باو ندادند که تربیت نماید تقصیر او نبوده است و بقیه بنده آقایان نمایندگان اگر طول مدت را تقاضا میکنند خوب است تقاضا بکنند که از همان تاریخ چهار سال یا پنج سال باشد .

**افتخار الواعظین** - این پیشنهاد بنده توضیحش معلوم است و هلنش واضح چون اینجنا نوشته است که سی نفر شاگرد را تعلیم بدهند و از مدتش هم یکسال ونیم گذشته است و از برای اینکه یک مدتی باقی بماند و کافی باشد از برای اینکه شاگردها را تعلیم بدهد از برای کار خاتجیات نظامی بنده پیشنهاد کردم که مدت کثرت از اول حمل ۱۳۲۹ باشد که دو سال ونیم دیگر وقت باقی باشد و در این مدت ۲ سال و نیم هم ایشان میتوانند این شاگردها را وارد عملیات بکنند و بعد از دو سال ونیم دیگر هم دولت وجود ایشان را لازم میدانند و کثرت مجددی با ایشان بسته خواهد شد این است که بنده پیشنهاد کردم که از اول حمل باشد که دو سال ونیم دیگر میشود .

**لسان الحکماء** - بنده عقیده ام این است که دولت یک پیشنهادی کرده آن از اول حمل ۱۳۲۸ است تا مدت ۳ سال شمی و کمیسیون هم تصویب کرده است و این تصرفات شاید مقضی نباشد بعلوه این یک امتحانی است از برای مسیو بوطن که اگر در این مدت این عده شاگرد را حاضر کرد برای دولت و تحویل داد بدولت آنوقت پنج سال شش سال ده سال دیگر هم او را ممکن است کثرتش را تجدید نمایند از این جهت این پیشنهاد را بنده صحیح میدانم و عقیده ام این است که مطابق پیشنهادی که دولت کرده است رأی داده شود .

**افتخار الواعظین** - بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم .

**نایب رئیس** - آقای حاج سید ابراهیم در اصلاح شما رأی میگیریم یا شما هم میگیرید .  
**حاج سید ابراهیم** - اگر آقایان تصدیق میکنند این مطلب را که قانون سازی باقیل خودش هم میشود یعنی یک زمان گذشته را که بترتیب دیگری عمل شده حالا تصویب بکنیم من پیشنهاد خود را پس میگیرم و الا لگنان نمیکنم صحیح باشد و تصور میکنم که قانون سازی باقیل نباشد .

**نایب رئیس** - پیشنهاد دیگری از طرف آقای ناصر الاسلام ( بمبارت ذیل خوانده شد ) بنده پیشنهاد میکنم که مدت استخدام مسیو بوطن چهار سال ونیم باشد .

**دکتر امیر خان** - همینطوری که شاهزاده لسان الحکماء فرمودند عقیده کمیسیون بر این است که بهمان پیشنهاد هیئت وزراء رأی گرفته شود و در جواب آقای حاج سید ابراهیم عرض میکنم که این قانون نیست تا اینکه ایشان بفرمایند قانون سازی باقیل خودش نمیشود این یک کثرتی است که مقضی شده و تجدید میشود .

**ناصر الاسلام** - بنده هم پیشنهاد خود را مسترد میدارم .

**نایب رئیس** - پس رأی میگیریم بنده (۲) هریک از آقایان تصویب می کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - با کثرت تصویب شد - حالا بجای ماده سوم کمیسیون نظامنامه واحده کمیسیون بودجه خوانده میشود بمبارت ذیل قرائت شد .

ماده - وزارت جنگ مجاز است مسیو بوطن مهندس قورخانه و کار خاتجیات نظامی را بمدت سه سال از قرار سالی دو هزار و چهار صد تومان استخدام نماید .

**نایب رئیس** - مخالفی نیست ( گفتند خیر ) رأی میگیریم بنده سوم مطابق پیشنهاد کمیسیون بودجه هریک از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

هریک از آقایان تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**نایب رئیس** - با کثرت تصویب شد در کلیات مخالفی هست ( اظهار شد خیر ) هریک از آقایان که کلیه این لایحه را تصویب میکنند ورقه سفید هریک که تصویب نمیکنند ورقه آبی خواهند داد ( اوراق رأی اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بنده (۵۰) رأی شماره نمودند .

**نایب رئیس** - با کثرت ( ۵۰ ) رأی از ( ۶۵ ) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد جلسه آتیه شنبه ( ۲۰ ) سه ساعت بغروب مانده دستور آن بقیه شور قانون انتخابات پیشنهاد وزارت داخله راجع بخرید اسلحه بجهت ژاندارمری ایضا لایحه وزارت داخله راجع به روزنامه رسمی چون این دو مطلب را بطور فوریت تقاضا کرده اند این است که جزء دستور گذاشته میشود .

**ادیب التجار** - اگر چه از سکه تکرار در مذاکره این مطلب کرده ام خجالت میکنم از اینکه باز در باب طرح قانون منع احتکار عرض بکنم ولی از اینکه باز جرات میکنم برای یک مسئله است که آن مسئله مرا مجبور می کند که خاطر مبارک آقای نایب رئیس و سایر آقایان را متذکر نمایم و آن مسئله شدت مسئله نان است که امروز همه نمایندگان را متأثر کرده بنده تقریباً ۱۶ و ۱۷ ماه است این طرح را تقدیم کرده ام و اگر این طرح از مجلس شورای ملی گذشته بود تا یک درجه جلوگیری از شدادی این محکمتین بی انصاف که خدا و پیشبر در حق آنها چقدر نفی فرموده است و همه شما ها بهتر میدانید هموم مردم خلاص میشوند سابقاً مرض کردم این مسئله سختی نان تنها بقرا صدمه نیست بلکه همینکه کار بجای سخت رسید اسباب صدمه اغنیا هم خواهد بود و این تقریباً ( ۱۶ ) ( ۱۷ ) ماه است در کمیسیون است نظرات مکرر هم در آن شده است و بمجلس شورای ملی هم مکرر آمده است و لایحه تکلیف برگشته است به کمیسیون گاهی وزراء سابق خواسته بودند که نظرات خودشان را در آن بنمایند باین عنوان برگشته است بکمیسیون و گاهی بعنوان دیگر بکمیسیون رجوع شده است و همین واسطه تا بحال بلا تکلیف مانده است و چون

خاطر مبارک حضرات عالی صیبه مصروف است با سودگی موم و هیچ چیزی بهتر از راحتی اهالی نمیدانید لذا تذکر میکنم خاطر آقای نایب رئیس را اگر چه سابق هم یعنی یکده قبل از این تذکر کردم که از این فقره که یک اندازه جلوگیری داخله ما میکنند بر رئیس کمیسیون داخله تأکید بفرمائید که آن طرح را زودتر بمجلس بیآورند که بگذرانیم و یک جلوگیری بشود و خاطر آقایانهم آسوده باشد از این آمو ناله ضغفا و از این بی انصافی های محکمتین و این اگر بگذرد لایحه جلوگیری برای سال آتیه لامحاله میشود .

**نایب رئیس** - بنا بود در همین چند روزه این مسئله جزء دستور شود ولی چون وزارت داخله خواستند که بنظر خزانه دار کل هم برسد و ایشان هم نظریاتی در آن بکنند آنوقت پیشنهاد مجددی بمجلس شورای ملی بکنند و جزء دستور بیاید از اینجهت تمویق افتاده ولی انشاء الله در هفته آتیه خواهد بود .

**ارباب کیخسرو** - بنده تقاضا میکنم در ابورت کمیسیون بودجه راجع بپورته مرحوم و کیل التجار در جلسه آتیه جزء دستور شود حقیقه برای ورته او خیلی سخت است و وکلای محترم که نظرشان همیشه بمعارف است و اینهم برای معارف است و برای تعلیم اولاد او است که اولادش را میخواهند بسننزه بفرستند از اینجهت بنده تقاضا میکنم که جزء دستور جلسه آتیه شود ( گفته شد صحیح است )

**افتخار الواعظین** - راپورتیکه از کمیسیون فوائد عامه داده شده است راجع بفاک جزیره هرمز و رأی هم داده اند و از طرف هیئت وزراء در پروز بین نوشته اند از برای بعضی نظریاتی که وزراء دارند و برای بعضی ملاحظات خیلی لازم میدانند که تکلیف این مسئله بزودی معلوم شود این است که بنده تقاضا میکنم که راپورت کمیسیون فوائد عامه جزء دستور روز شنبه گذاشته شود و هر چه زودتر تکلیف آن معین شود .

**نایب رئیس** - این مسئله در دستور بود ولی چون این فقره از طرف وزراء پیشنهاد شد و فوریت آن تقاضا شده این بود که یک قدری عقب افتاد البته معلوم است بعد از آنها این مطلب مطرح خواهد شد .

**ناصر الاسلام** - بنده موافقم با آن پیشنهادی که آقای ارباب کیخسرو فرمودند و خواستم همان تقاضا را بکنم امیدوارم که از برای روز شنبه جزء دستور بگذارند و یکی هم راپورت کمیسیون بودجه راجع بفتح الله خان مجاهد رشتی است که در فتح تهران مقتول دشمنی را که کمیسیون بودجه تصویب کرده است برای برادر کوچک او که حال در طهران مشغول تحصیل است و در نهایت پریشانی است و یک مرتبه مجلس آمد و بلا تکلیف ماند تقاضا میکنم آن را هم در دستور بگذارند و امیدوارم آقایان نمایندگان هم مسامحت بکنند که جزء دستور گذاشته شود

**حاج شیخ اسداله** - بنده برخلاف سایر نمایندگان تقاضای دیگر دارم که دستور مجلس منحصر باشد بقانون انتخابات چون در خصوص دوره تقنینیه که آیا قری است یا شمی است هنوز در بین آقایان

نایبندگان این مسئله حل نشده است بنابر این احتمال دارد که ده روز یا دوازده روز دیگر از عمر این مجلس شورای ملی بیشتر باقی نمانده باشد در این ده دوازده روز تصور بفرمائید که این همه چیزهایی که جزء دستور میشود چند جلسه دیگر داریم و باین تقاضاهائی که میشود و نظامنامه انتخابات را هم در دست داریم آیاموفق میشویم بگذرانیدن قانون انتخابات یاخیر و بنده عرض میکنم همان دوقفتره را هم که گفتو آقای نایب رئیس جزء دستور گذاشته آن هم از دستور خارج شود و منحصر بشود دستور مجلس بهمان قانون انتخاب برای افتتاح مجلس در آیه منوط است بهمن نظامنامه انتخاب و اگر اتمام نشود و مدت دوره این مجلس منقضی شود آنوقت نیندازیم چه حالتی پیدا خواهد بود بجهت اینکه در واقع مذاکره در این قانون انتخابات را باطل کرد در این صورت بنده تقاضا میکنم دستور شورای ملی منحصر باشد بهمان نظامنامه انتخابات.

**نایب رئیس** - چون در این مذاکراتی که میشود راجع به تغییر دستور باید رأی گرفت آن وقت که آن دستور را معین کردیم همه برای رأی کافی نبود ولی حالا کافی نیست که رأی گرفته شود.

**سلیمان میرزا** - در چند شب قبل گویا آقای ادیبالتجار يك تقاضائی مکررند که در حقیقت خیلی قابل توجه و مهم بود ولیکن تاکنون هنوز موقع اجرا نرسیده است و آن این است که شنبه میشود در این جنگ ها بعضی نوشتجات و بعضی اسناد بدست آمده که خیلی مهم است و این يك چیزی که بسیار مهم است و باید نماینده محترم از این اسناد مطلع باشند و این چیزی نیست که با امروز و فردا بشود از آن صرف نظر کرد و بنده این را از مطالب بسیار بسیار مهم میدانم برای اینکه از آن نوشتجات مطالب بسیاری را میتوان درک کرد شاید در طول زمان از بین برود پس خوب است هر چه زودتر و بقوریت این اسناد به مجلس بیاید که شاید خیلی مطالب عمده از این اسناد کشف بشود و فوت وقت و تأخیر او را بنده خیلی مضر میدانم این است که تقاضا میکنم که اگر از هیئت رئیسه تا بحال در این خصوص چیزی نوشته شده است در نانی تأکید می شود که ما باین اسناد و بآن مطالبی که لازم است برسیم و سال مجلس هم به عقیده بنده شمسی است قمری نیست.

**نایب رئیس** در این باب مذاکره شده و مکرر مطالبه شده است و قرار شد که آن اسناد را بفرستید بکمیسیون بودجه چون این يك مطلبی است که راجع میشود بآن اشخاصیکه صاحب حقوق بوده اند و باید حقوق آنها قطع شود و از اینجهت قرار شده است که تمام آن نوشتجات را بیاورند بکمیسیون بودجه را خود شهر هم آنچه لازم است تحصیل بکنند و یکمرتبه بیاورند اقدام کند آقای دکتر رضاخان توضیحی داشتید در باب آن مطلب که فرمودید.

**دکتر رضاخان** - عرض بنده راجع بسوء تفاهمی بود که آقای متین السلطنه توضیح فرمودند که مسبو بوطن خیلی خدمت کرده است و بموجب نظام نامه داخلی حق داشتیم توضیح بدهم که آن سوء تفاهم رفع شود و آن اخباریکه فرمودند خواستم عرض

کنم که بنده برخلاف نظم حرکت نکردم تا اینکه مورد اخطار بشوم.

**نایب رئیس** - ملاحظه بفرمائید مخصوصاً در نظامنامه داخلی قید شده است که اگر سوء تفاهمی شده است میتوانند در آخر مجلس توضیح بدهند حالا اگر میل دارید و می خواهید بیان کنید بفرمائید.

**دکتر رضاخان** - مقصود بنده این بود که بنده هیچ مخالفتی نمیکردم از باب تسبب بوطن گاهی موافقین بر میخواستند و اظهار حرارت میکردند و می گفتند که این آدم خوبی است و خدمت کرده است بنده خیلی از اینها بیشتر اطلاع داشتم و میدانستم که خدمت کرده است ولی برای اینکه بتوانند شاگردانی را که باو میسازند تعلیم نمایند طول مدت را تقاضا کردم که مدت کترات او را چهار سال قرار بدهیم و این سوء تفاهمی شده بود بخیال من مرا مخالف فرض کرده بودند.

**آقامیرزا احمد** - در باب آن یشهادی که آقای ادیبالتجار کرده بودند و در خصوص آن اسناد میخواستم عرض کنم که جوابی را که فرمودند نمایندگان را قانع نکرد برای اینکه شاید در این اشخاصی و اشخاصی باشند که حقوق نداشته باشند لذا تمام آنها را خوب است بخواهند و در اطاق تنفس یادر يك اطاق دیگر بگذارند که تمام و کلا بخوانند و ببینند (گفته شد صحیح است)

(مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۴۰۶**

**صورت مشروح جلسه یوم شنبه بیستم شهر شوال ۱۳۲۹**

**رئیس** - ( آقای مؤتمن الملک ) سه ساعت قبل از فروب بکرمی ریاست جلوس فرموده و پس از ده دقیقه مجلس رسماً افتتاح شد.

آقا میرزا رضا خان نائینی صورت جلسه قبل را قرائت کردند و اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد.

غائبین بدون اجازه - دکتر اسمعیل خان - دهخدا - آقا سید محمد باقر ادیب - آقامیرزا بانس مریض - حاج آقا - غائبین با اجازه آقا محمد - شیبانی - نجم آبادی - لواء الدوله آقابانیکه از وقت مقرر تغلف نمودند - حاج امام جمعه دو ساعت ۴۵ دقیقه - داباطبائی ۳۵ دقیقه - وحید الملک - دکتر امیرخان - سلیمان میرزا هریک نسیسات حاج وکیل الرها یا ۵۰ دقیقه.

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست **افتخار الواعظین** - در آخر جلسه بنده يك تقاضائی کردم در باب راپورت کمیسیون فوائد - عامه راجع بخاک جزیره هرمز که جزء دستور گذاشته شود آقای نایب رئیس هم قبول فرمودند و اینجا قید نشده است.

**رئیس** - اصلاح میشود. **ادیبالتجار** - بنده هم در آخر جلسه تقاضا کردم طرح راجع بمنع احتکار را از کمیسیون داخله بخواهند و زودتر جزء دستور مجلس بگذارند و اینجا قید نشده است. **رئیس** - اصلاح میشود.

**آقامیرزا احمد** - در آخر جلسه حضرت والا سلیمان میرزا شرحی راجع بتقاضای آقای ادیبالتجار در آوردن آن نوشتجاتیکه بدست آمده است اظهار کردند آقای نایب رئیس هم جوابی دادند بنده هم جوابی دادم و بهیچوجه متذکر نشده است در صورت مجلس.

**رئیس** - صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد دستور مجلس قانون انتخابات در مرکز حوزه های انتخابیه آقایان در خاطر دارند که در شور اول گفتیم که در کلیات اعتراض بعضی دارند و این ایراد هم صحیح بود گمان میکنم اگر در کلیات مذاکره شود در جزئیات زحمتان کمتر است یعنی مثل طرح های قانونی اول در کلیات مذاکره کنیم بعد در جزئیات یعنی در حوزه های جزء مذاکره میشود دیگر اینکه در باب رأی گرفتن اگر بنا باشد برای هر محلی نماینده که معین شده است بخواهیم رأی بگیریم باید هشتاد مرتبه رأی بگیریم گمان میکنم بهتر این باشد که برای هر حوزه انتخابیه يك رأی بگیریم ولی اگر بعضی از آقایان می بینند که بعضی ملاحظات در حوزه بندیها نشده است پیشنهاد میکنند که تجزیه شود آنوقت تجزیه میشود و در هر جزء یکرأی گرفته میشود حالا در کلیات این حوزه بندیها مخالفی هست یعنی مخالفی هست که در کلیات مذاکره شود.

**حاج شیخ اسدالله** - بنده مخالفم و عرض میکنم مذاکره در کلیات حوزه بندی آذربایجان شد ولی در کلیات این حوزه بندیها شده است ولی در خصوص آذربایجان مذاکره شده است و رأی هم داده شده است بنده که دیگر در کلیات حوزه بندیها آذربایجان مذاکرات کافی است پس در کلیات آذربایجان نباید مذاکره شود.

**رئیس** - مقصودم راجع تمام حوزه بندیها است حالا رأی میگیریم آقابانیکه موافقت کرده در کلیات حوزه بندیها مذاکره شود قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد حالا مذاکره در کلیات است در کلیات این لایحه مخالفی هست ؟

**بهجت** - بنده مخالفم. **رئیس** - بفرمائید.

**بهجت** - همینطوریکه آقای رئیس متنبه شدند شور در کلیات لازم بود برای اینکه ما اگر شور در کلیات نمیکردیم لازم میشد که در هریک از حوزه بندیهای عرایش را که در کلیات باید بکنیم در جلسه گذشته خاطر نمایندگان را مستحضر کردم حالا هم عرض میکنم در این حوزه بندیها دو نظر عمده است یکی انتخاب جمعی است و یکی لازمه او است که محرومیت خیلی در قراء و قصبات است و بنده از این نقطه نظر مخالف هستم یعنی صومیت دارد انتخابات با شرایط و معنی محرومیت این میشود با وجود آن شرایطی که در نظامنامه انتخابات قید شده است ممکن است بعضی از قراء و قصبات بکلی محروم شوند و محرومیت آنها لازم نیست که بطور وضوح باشد بلکه ممکن است حوزه بندیها را بطور کلی بکنیم که بر حسب وضع طبیعی انتخاب اسباب محرومیت آنها بشود اینهم معنی محرومیت است مثلاً اشخاصیکه مشغول کسب و کار هستند بگوئیم بروید سی فرسخ آنطرف تر رأی بدهید مسلماً نخواهند رفت و اسباب محرومیت